



نوع مقاله: پژوهشی

دلالت‌هایی از آموزه‌های اسلام در جهت استانداردسازی

علیرضا افضل^۱، روح الله رازینی^۲، سید علی معزی^۳، علی یعقوبعلی پور کندلجی^{۴*}

۱. استادیار گروه معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

۲. استادیار گروه معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و مدیریت صنعتی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و مدیریت صنعتی دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول)

سابقه مقاله

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۴

استاندارد و استانداردسازی یکی از رویکردها و ابزارهای انسانی است که به منظور ارتقای محصول اعم از کالا و خدمت مورد استفاده قرار می‌گرفته و امروزه یکی از ارکان مهم در توسعه تجارت، ارتباطات و تعاملات بین افراد، گروه‌ها، بنگاه‌ها و جوامع و بسترسازی رشد اقتصادی محسوب می‌شود. فارغ از نوع کارکرد گسترده‌ای که در امر استاندارد مورد توجه است، عرضه آن به مبانی اسلامی و بازسازی مفهومی و کاربردی آن برای جامعه اسلامی ضروری است. پژوهش حاضر که با روش تحقیق کیفی از نوع دلالت‌پژوهی با بررسی مجموعه‌ای از روایات و متکی بر استدلال‌های فقهی انجام شده است، با هدف مقایسه نوع نگاه متعارف و دینی نسبت به امر استاندارد، کوشیده است با شناسایی مصادیق گوناگون، به احصاء و تایید ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل توسعه مقوله استاندارد بر اساس آموزه‌های اسلامی پردازد و گستره وسیع‌تری از جنبه‌های اجتماعی آن را برشمارد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد از دیدگاه اسلامی، مصادیقی در چهار محور مرسوم استاندارد که به استاندارد فرایند انجام کار، محصول، مقیاس و محیط اختصاص دارد و همچنین مبحث طبقه‌بندی استانداردها وجود دارد که در غالب موارد با نگاهی مترقی‌تر و جامع‌تر می‌توان آن‌ها را بعنوان نمونه در حوزه استانداردسازی مورد دقت و بررسی قرار داد.

1 al.afzali@isu.ac.ir

2 razini58@yahoo.com

3 mzsyvdy@gmail.com

4 aliyaghubali@gmail.com

کلمات کلیدی: استاندارد، استانداردسازی، دلالت پژوهی، آموزه‌های اسلام

۱ مقدمه

از دیرباز بشر همواره در پی یافتن یک شاخص و میزان و نمونه برای تطابق خود و سایر اشیای مرتبط با خود نسبت به آن بوده و در این راه از علوم تجربی و ریاضی و یا حتی وجدان خویش کمک‌ها گرفته و یافته‌های خود را در حوزه‌های مختلف پیاده ساخته و به گزاره‌های گوناگونی از جنس باید و نباید برای اقشار و ابعاد مختلف رسیده‌است. امروزه دولت‌ها، تجار، تولیدکننده‌ها، مشتریان و آحاد جامعه، همگی در عرصه‌های مختلف رفتار خود، با قواعد و قوانینی مواجه‌اند که برای رسیدن به کارایی و اثربخشی^۱ مطلوب و در نهایت، بهره‌وری^۲ ایده‌آل خود و سایرین، ملزم به رعایت آن‌ها شده‌اند و عملکرد آن‌ها نسبت به این گزاره‌ها، سنجش و کنترل می‌شود. پیچیدگی گسترده و پوست‌اندازی‌های لحظه به لحظه روابط طرفینی که بین انسان و دنیای پیرامون وی حاکم است نیز باعث جابجایی مرزهای الگوها و سنجه‌ها و لزوم جامعیت و اهمیت بیشتر مفهوم نظم و هماهنگی نسبت به گذشته شده است و ضرورت حاکم شدن نظم و رویه‌ای واحد در تبادلات و ارتباطات بشر امروزی، لزوم توجه ویژه به مقوله استاندارد و استانداردسازی^۳ را دوچندان می‌کند. (رازینی، ۱۳۹۳)

این مقوله از نظر معنای اصطلاحی، زمانی صرفاً یک مفهوم فنی و ناظر به کیفیت کالا بود؛ یعنی، وقتی از واژه استاندارد نام برده می‌شد، واژگانی مانند تولید، مصرف، ضابطه‌های کمی و ... اراده می‌شد که به‌تنهایی بیانگر مفاهیمی پیرامون کیفیت کالا و تولید در کارخانه بود. به عبارت ساده‌تر، واژه استاندارد به مانند یک روش بهتر برای طراحی محصول یا ارائه خدمت تلقی می‌شد (رازینی، ۱۳۹۳). در گام بعد، کارشناسان به روش‌هایی دست یافتند که بتوانند با آن‌ها کار را به صورت قاعده‌مندتری جلو ببرند. البته، این گام مقدمه‌ای بود برای مراحل آتی که در نهایت به استانداردسازی روش‌های انجام کار منتهی شد. ولی اکنون واژه استاندارد از محدوده مفاهیم اولیه

1 Effectiveness

2 productivity

3 standardization

خویش فاصله گرفته است و در قالبی گسترده تر بیان می‌شود؛ یعنی از این مفهوم در یک فضای عام و جدید و به عنوان معیاری برای سنجش موضوعات در چارچوب‌بندی مشخص استفاده می‌گردد (یزدان پناه، ۱۳۸۰).

علاوه بر اهمیت مقوله استاندارد و گستردگی دایره کاربرد و تأثیر آن، توجه به مأخذ و منشأ و همچنین چگونگی استخراج آن نیز باید مورد بررسی قرار گیرد. از آنجا که کشورهای تابع اقتصاد نئوکلاسیک^۱ مبتنی بر عقلانیت^۲ اقتصادی عمل می‌کنند، رسیدن به حداکثر کارایی^۳ اقتصادی به عنوان چشم‌انداز و الگوی پیشرفت قلمداد شده و همه چیز براساس این هدف طراحی و ارزیابی می‌شود (منظور و طاهری، ۱۳۹۲). این نگاه و رویکرد در همه موارد تسری داشته و مشتمل بر استانداردهای تدوین شده در سازمان‌های بین‌المللی از جمله ایزو^۴ می‌باشد. اکثر استانداردهای تعریف شده در سازمان ایزو اشاره به مباحث تکنولوژیکی داشته و مربوط به تکنیک‌های علمی است. به عبارت دیگر بخش اعظم استانداردهای موجود، تک‌بعدی بوده و بیشتر بر علوم طبیعی و یا فنی بنا شده است و اگر هم استاندارد در حوزه علوم انسانی همچون اخلاق از قبیل مسئولیت اجتماعی ورود کرده است، بعنوان یک امر درجه دوم^۵ قلمداد شده است؛ بدین معنا که عقلانیت اقتصادی، حاکم بر عقلانیت اخلاقی است. به عبارت دیگر هدف اصلی^۶ کارایی است و اخلاق در خدمت کارایی استفاده می‌شود و استانداردهای تدوین شده چه در حوزه فنی، اقتصادی و چه در حوزه جامعه، اخلاق و... در خدمت عقلانیت اقتصادی بوده و به دنبال افزایش کارایی به عنوان هدف و غایت مجموعه می‌باشد. این رویکرد موجب همگون‌سازی افراطی و نوعی استاندارد زدگی در جوامع توسعه یافته شده تا همه چیز در تسلط و کنترل این عقلانیت درآید (خان‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۰).

1 Neoclassical economics

2 Rationality

3 Efficiency

4 ISO

5 Second order affair

6 Master Goal

این نگاه مادی‌گرایانه صرف که ناشی از خلاصه دانستن تمام زندگی در همین دنیا و عدم دخالت نیروهای ماوراءالطبیعه در قواعد علی- معلولی طبیعت است باعث شده تمام تلاش‌های صورت گرفته در زمینه روشمند کردن امور در جهت بهره‌مندی و تلذذ بیشتر انسان به معنای حیوان ناطق قرار گیرد که اتفاقاً همین خواسته نیز به طور فراگیر عملی نمی‌شود. به تعبیر هابز، مشاجرات، دشمنی‌ها و جنگ صرفاً به دلیل فوران همین تمایلات و لذت‌ها پدید می‌آیند (جاویدی، ۱۳۹۹). لذا همواره با طمع‌ورزی و راحت‌طلبی گروه محدودی از جامعه، جمع‌کثیری از حداقل کیفیت حیات هم بهره‌ای نداشته و زندگی مشقت‌باری را تجربه می‌کنند که نشان از برآورده نشدن کارایی مدنظر و اثربخشی پایین آن و لزوم بازنگری جدی در تعریف این استانداردها و یا تدوین استانداردهایی با معیارهای متفاوت و در حوزه‌های دیگری غیر از تکنولوژی و صنعت دارد.

اگر استاندارد مستنبط ما برپایه جهان‌بینی غلط استوار شد نتیجه این خواهد شد که همگان در تمام حرکات خویش، هرچند به طور نامحسوس با تلاشی مذبوحانه در حال انحراف هرچه بیشتر از مسیر درست و حقیقی خواهند بود و نتایج این اشتباه هم در دراز مدت، فاصله هرچه بیشتر با شاخص مطلوب و واقعی یا همان بهره‌وری به معنای عام در تمامی ابعاد است. لذا یکی از مبادی بسیار مهم هر اندیشه، جهان‌شناسی و تعاریفی است که از هستی ارائه می‌کند. اهمیت این موضوع به قدری زیاد است که تقسیم‌بندی مکاتب فکری و جبهه‌گیری فلاسفه در طول تاریخ بر همین اساس انجام شده و «مادی بودن یا نبودن»، مسئله مهم و مبدأ حرکت اندیشه‌ها بوده است (صالحی و همکاران، ۱۳۹۳).

در جهان‌بینی اسلامی، عقلانیت دینی مقدم بر عقلانیت اقتصادی صرف است. در واقع دین به مثابه راهنمای عمل انسان در خود عقلانیتی دارد که تحقق آن در زندگی بشر، سایر عقلانیت‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. این دین مدعی است که انسان با رعایت اصول و قواعد خاصی در ابعاد گوناگون زندگی به رستگاری دنیوی و اخروی دست پیدا می‌کند، به عبارت دیگر ادعا دارد که تعهد به مبانی و اصول نظری و عملی دین اسلام سعادت بشر را میسر می‌کند (دانایی فرد، ۱۳۸۷). بدین صورت در عقلانیت دینی (اسلام)، موضوعاتی چون اخلاق، انسانیت، معنویت

و کمال انسانی بر عقلانیت اقتصادی تقدم دارد که البته به معنای نفی کارایی اقتصادی نیست، بلکه بدان معناست که اگر یک موازنه بین انسانیت، اخلاق و اقتصاد به وجود آید، انسانیت، اخلاق و عقلانیت دینی مقدم است و در ورای آن عقلانیت اقتصادی پذیرفته می‌شود (خان‌محمدی، اصلی‌پور، خان‌محمدی، ۱۳۹۰).

پس اگر در همان ابتدا با رویکردی فعالانه این مفهوم بنیادین از یگانه خالق بشر که آفریننده‌ی اعمال و رفتار او و سازنده محیط پیرامون او نیز هست، طلب شود، مبنای مدنظر، متفاوت از مبنای کنونی که برگرفته از مبانی لیبرالیسم^۱؛ یعنی الحاد عملی، اومانیسیم^۲، سکولاریسم^۳، لذت‌گرایی^۴ و سودمحوری^۵ صرف است خواهد بود و می‌تواند نظامات طبیعی و صنعتی و اجتماعی را به‌گونه‌ای تنظیم و پالایش کند که علاوه بر برآورده‌ساختن اهداف اولیه استاندارد، یعنی ایجاد وحدت رویه و ازاله اختلافات و ناهماهنگی‌ها، کمک شایانی نیز در جهت مسیر رشد انسان و انجام وظایف خطیر خلیفه الهی داشته باشد. با به کار بستن منویات اسلام، سعادت انسان در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین شده و به کمال مطلوب و واقعی خود می‌رسد. اسلام مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد، فروگذار ننموده است؛ و موانع و مشکلات در مسیر تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و نسبت به رفع آن‌ها کوشیده است (روح‌الله موسوی خمینی، ۱۳۶۸). اسلامی سازی علوم انسانی، نیازمند تغییرهای اساسی در زیرساخت‌های علمی و فرهنگی کشور و مؤسسات آموزشی در راستای تمدن‌سازی نوین دینی بر پایه آموزه‌های ناب وحیانی است؛ فرایند عمیق و گسترده‌ای که با هزینه‌های بسیار همراه است. از این رو برای تبدیل استانداردهای حال حاضر به استانداردهایی که مورد تأیید اسلام است، افزون بر اثبات

1 Liberalism

2 Homanism

3 Secularism

4 Epicureanism

5 Profit - centered

نواقص آنچه موجود است، باید قوت و برتری آنچه باید جایگزین گردد به حد ضرورت رسیده باشد تا بتواند توجیه‌گر هزینه‌ها گردد؛ به خصوص اگر نظرها گوناگون و مخالفت‌ها فراوان باشد. پس لازم است ضرورت آن با تکیه بر قوی‌ترین منبع اسلامی، یعنی قرآن کریم و مستند به استوارترین برداشت‌ها از آن اثبات شود.

حال در این پژوهش سوال اصلی این است که آیا استاندارد برآمده از چنین دستگاهی، در کشورهایی که از این مکتب پیروی نمی‌کنند و مبانی آن را مغایر با اصول و ارزش‌های دین و مکتب خود می‌دانند، قابل پیاده‌سازی است؟ آیا این امکان وجود ندارد که در جوامع اسلامی، اقتضائات بومی و جهان بینی الهی مبنای تدوین استانداردها قرار گیرد؟ اگر آری، آیا شواهدی بر این مدعا وجود دارد؟

ضرورت بررسی نقادانه دو دیدگاه اسلامی و رایج نسبت به مفهوم استاندارد ایجاب می‌کند که در ابتدا تعریف دقیق استاندارد و اهمیت آن در هر دو مکتب مرور شود، آنگاه با نگاهی نقادانه و اصلاحی، ظرفیت‌های مغفول دین در حوزه استاندارد خصوصاً موارد عینی و علمیتی، در صورت وجود احصا شده و سپس راه کارهای موجود برای پیاده‌سازی ایده‌آل اسلام در این زمینه بیان شود.

۲ ادبیات پژوهش

استاندارد

تعریف استاندارد بر اجماع، انواع مختلف استاندارد، استفاده مکرر و عمومی از آن و صحه‌گذاری استاندارد توسط موسسه رسمی (که از طریق آن سازمان استفاده عام‌تری به خود می‌گیرد) و نتیجه‌گرا بودن استاندارد تأکید دارد. این تعریف به وضوح بیانگر دامنه کاربرد و حوزه عملکرد استاندارد نبوده و اطلاعاتی راجع به اینکه آیا استاندارد در مورد یک محصول خاص، فرآیندها و یا یک سیستم خاص باشد در اختیار قرار نمی‌دهد، لکن بر اساس مفاهیمی چون عام بودن نتیجه‌گرایی که در این تعریف موجود است، می‌توان برداشت کرد که استاندارد می‌تواند تمام زمینه‌های یاد شده را دربرگیرد و تعریف آن جامعیت دارد. (خان‌محمدی، اصلی‌پور، خان‌محمدی، ۱۳۹۰)

جدول (۱): انواع تعاریف استاندارد بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته

منبع	تعاریف	میدان تحقیق
عبدالحمید و بابایی مجرد، ۱۳۹۰	مقیاس اندازه‌گیری که در فرانسه امروزی آن را اتالون ^۱ می‌نامند.	علمی
David, P. A., & Greenstein, S. (1990)	منظور از "استاندارد" در دنیای امروز، مجموعه‌ای از مشخصات فنی است که توسط تولیدکننده به طور ضمنی یا در نتیجه یک توافق رسمی رعایت شده است. تمایز بین چندین نوع استاندارد - مرجع، حداقل کیفیت و استانداردهای رابط یا "سازگاری" مفید است.	فنی
عبدالحمید و بابایی مجرد، ۱۳۹۰	به معنای کتابچه حاوی مقررات و اصول برای تنظیم امور فنی، علمی و تجاری که در فرانسه به آن نرم ^۲ گفته می‌شود و در آلمان به معنای (Norm) و در ریشه لاتین آن (Normn) یعنی گونیا به کار می‌رود.	
فروغ منتقمی، ۱۳۷۶	استاندارد کردن به مفهوم قانونمند شدن و مطابقت با اصول و ضوابط علمی و فنی در امور مختلف مانند تولید، تجارت، حمل و نقل، ارتباطات و... مصداق می‌یابد. بنابراین کالای یا فراورده استاندارد عبارت است از: کالایی که تشکیل دهنده وزن، ابعاد، عیار، بسته‌بندی، کیفیت، ایمنی، دوام و... باشد.	
فرهنگ عمید، ۱۳۳۷	استاندارد، نمونه، قاعده، اصل، مقیاس تصویب شده و هر چیزی است که به عنوان مبنایی برای مقایسه پذیرفته شود.	لغوی
عباس کاظمی نجف آبادی، ۱۳۹۰	استاندارد در لغت به معنای نظم، قانون و مفاهیمی از این قبیل است.	
میثم لطیفی، محمد علم خواه، ۱۳۹۰	استاندارد مطابقت کالا، خدمات، آیین کار، سیستم کیفیت یا هر امری با استاندارد، بدین معنی است که در آن موارد قواعد، اصول و مقررات ویژه‌ای رعایت شده است.	
غلامحسین مصاحب، ۱۳۵۰	استاندارد یعنی هر امر ثابت شده‌ای (که البته هیچگاه پذیرفته نشد)	
واژه‌نامه نظام استانداردسازی و کیفیت، ۱۳۸۸	سندی مورد اجماع توسط نهادهای ذی‌ربط که در آن مشخصات و رویه‌هایی برای حصول اطمینان از قابلیت اطمینان، مواد، محصولات، روش‌ها، و یا خدماتی که مردم روزانه به کار می‌گیرند، طراحی شده است. استانداردها طیف گسترده‌ای از موارد را پوشش داده، و محدود به ارائه انواع پروتکل‌های مختلفی که به حصول اطمینان از کارکرد سازگاری	جامع

1 Etalon

2 La norma

	محصولات، تسهیل در هم کنش‌پذیری و پشتیبانی از ایمنی مصرف‌کننده و بهداشت افراد کمک می‌کند، نیست.
سازمان بین‌المللی استاندارد (ایزو) International Standard Organization ¹ (ISO)	سندی که با اجماع به دست آمده و توسط نهادهای شناخته شده‌ای تصویب شده و مقررات، راهنمایی یا مشخصات فعالیت‌ها یا نتایج آن‌ها را، برای استفاده مشترک و مکرر، با هدف دستیابی به میزان بهینه‌ای از نظم در یک زمینه خاص، در اختیار قرار می‌دهند

استانداردسازی

استانداردسازی به معنای عدم وجود اختلاف در محصولات تولید شده است. (خاتمی فیروزآبادی، ۱۳۹۴) بنابر تعریف سازمان بین‌المللی استاندارد، هدف از استاندارد، دستیابی به میزان مطلوب از نظم در یک زمینه خاص است. نظمی که از استاندارد ناشی می‌شود، دو نتیجه مهم را دنبال دارد؛ اول یکسان‌سازی و ایجاد مفاهیم واحد برای همه افراد، و دوم تعیین حداقل کیفیت‌های لازم جهت استفاده مطلوب از یک کالا یا خدمت و حفظ بهداشت و ایمنی (قانون اصلاح قوانین و مقررات موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران ۱۳۷۱).

استاندارد کردن پدیده‌ی جدیدی نیست و از دیرباز در زندگی بشر وجود داشته است. استاندارد نیز مانند بسیاری از پدیده‌های طبیعی، نتیجه شناخت و برداشتی است که انسان از محیط پیرامون خود داشته است. این امر در ابتدا به صورت ناخودآگاه تحقق یافته است. برای مثال تاریخ پیدایش سیستم شمارش ده‌دهی که هم اکنون نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد به گذشته بسیار دور باز می‌گردد و در واقع الگویی است از تعداد انگشتان دو دست انسان، همین گونه استاندارد کردن تقویم و تعداد روزهای ماه در سال رومی که توسط ژولیوس سزار^۲ در ۴۶ سال قبل از میلاد مسیح انجام شده است. (لطیفی، علم خواه، ۱۳۹۰)

استاندارد کردن به مفهوم قانون‌مند شدن و مطابقت با اصول و ضوابط علمی و فنی در امور مختلف مانند تولید، تجارت، حمل و نقل، ارتباطات و ... مصداق می‌یابد. بنابراین، کالا یا فرآورده‌ی

1 https://www.iso.org/sites/ConsumersStandards/1_standards.html

2 Julius Caesar

استاندارد عبارت است از کالایی که دارای ویژگی‌های مطلوب از جهت شکل، جنس، نوع، اجزای تشکیل دهنده، وزن، ابعاد، عیار، بسته‌بندی، کیفیت، ایمنی، دوام و ... باشد. (منتقمی، ۱۳۷۶)

مزایا و معایب استانداردسازی

هنگامی که در سازمانی استاندارد کردن گسترش یابد و شامل ویژگی‌هایی شود که در برگزیده بسیاری از جزئیات باشد، باعث افزایش هزینه‌های عملیات و کند و خشک و غیرقابل انعطاف شدن امور می‌شود. کم شدن انعطاف و ابتکار عمل هم در استفاده از افراد، ابزار، ماشین آلات و در اجرای امور اداری و دفتری، خرید، فروش و ... باعث می‌شود که سازمان آمادگی کافی و لازم را برای ایجاد تغییرات - وقتی که عوامل خارجی نظیر نوسانات تقاضا رد بازار و تغییرات تکنولوژی چنین تغییراتی را ایجاب می‌کند- نداشته‌باشد. (فدوی، ۱۳۷۵)

نتیجه اول استاندارد ایجاد نظم و یکسان‌سازی است. ایجاد نظم و یکسان‌سازی موجب می‌شود که اولاً زبان مشترک و واحدی میان تمام افراد ایجاد شده، معیارهای واحدی مورد استفاده و قبول همه باشد که این مطلب، خود به توسعه صنعت و تجارت می‌انجامد. دوماً اعمال معیارهای واحد، منجر به کاهش ضایعات و افزایش مشتری و در نتیجه، افزایش بهره‌وری اقتصادی می‌شود. سوماً وجود معیارهای واحد در کالاهای مختلف، امکان تبدیل و جایگزینی را برای مصرف‌کننده فراهم آورده، صرفه اقتصادی را به همراه خواهد داشت. چهارماً با کاهش ضایعات، در استفاده از منابع نیز صرفه‌جویی شده، به حفظ آن‌ها کمک خواهد شد.

نتیجه دیگر استاندارد، تعیین حداقل کیفیت لازم در کالا و خدمات است. این حداقل کیفیت مشخص شده اولاً باعث می‌شود مصرف‌کننده در خرید خود دچار زیان نشده و او از اینکه کالای خریداری شده دارای حداقل کیفیت و عاری از اشکالات اساسی باشد، مطمئن گردد. دوماً با اعمال قواعد مربوطه، ایمنی کالای مورد استفاده تأمین شده و منجر به ضرر و زیان کسی نمی‌شود. سوماً سلامت و بهداشت استفاده‌کننده از کالا یا خدمات تأمین می‌شود. چهارماً با اعمال معیارهای مربوط به استاندارد، سلامت و حفاظت محیط‌زیست تأمین می‌گردد؛ و پنجماً اینکه همیشه

معیارهای مشخص و مطمئنی وجود خواهد داشت که تشخیص و تعیین خسارت احتمالی ناشی از کالا یا خدمات را امکان‌پذیر سازد.

جدول (۲): مزایا و معایب استانداردسازی (خاتمی فیروزآبادی، ۱۳۹۴)

مزایا	معایب
بهبود رویه‌های کنترل کیفی	کندشدن طراحی
کاهش هزینه زمان و آموزش	هزینه زیاد انجام تغییرات
فرصت‌هایی برای تولید بلندمدت و خودکار	کاهش تنوع

مطالب فوق، بیانگر جریان و شمول گسترده استاندارد در ابعاد گوناگون زندگی بشر است و اینکه چرا و به چه علت از استاندارد و استانداردسازی به عنوان مفهومی بنیادین یاد می‌شود.

سطوح و اهداف استاندارد

با توجه به گسترش روزافزون استاندارد و پیشرفت‌های عظیمی که در زمینه استاندارد طی سال‌های اخیر حاصل شده برشمردن اهداف استاندارد نیاز به بررسی بیشتری دارد. در این خصوص کمیته‌ای ویژه به بررسی اصول استاندارد پرداخته است.^۱

کمیته وابسته به شورای سازمان بین‌المللی استاندارد اهداف اساسی استاندارد کردن را چنین تشریح نموده است:

۱. صرفه‌جویی کلی در مصرف منابع انسانی، مواد، انرژی و غیره؛ استانداردها، با بهبود فرآیندهای انجام امور و فعالیت‌های سازمانی می‌توانند از اتلاف منابع انسانی، مادی و انرژی و ... جلوگیری کنند.

۲. حمایت از مصرف‌کننده (دریافت‌کنندگان خدمات یا کالا)؛ استانداردها از طریق معرفی حداقل مطلوبیت مناسب برای کالا و خدمات، موجب حفظ منافع مصرف‌کنندگان یا دریافت‌کنندگان خدمات و کالا می‌شوند.

1 STACO – (Committee on standardization principles)

۳. حفظ ایمنی و بهداشت و محیط زیست؛ استانداردهایی که در این رابطه تهیه می‌شوند ممکن است به صورت استاندارد محصول بوده مانند تجهیزات ایمنی، مواد غذایی و غیره و یا به صورت استانداردهای آیین کار در مورد نحوه استفاده از زمان، مواد یا وسایل مختلف باشند، که در نتیجه بهره‌گیری از آن‌ها می‌توان ادعا نمود که امنیت شغلی و همچنین حفظ محیط‌زیست بهتر رعایت شود.

۴. ایجاد ارتباط بهتر؛ در واقع استانداردها در سطح ملی، منطقه‌ای و یا بین‌المللی به عنوان یک زبان مشترک جهت برقراری ارتباط مناسب محسوب می‌شوند. (یگانه، ۱۳۷۹)

استانداردسازی ممکن است برای این که محصول، فرآیند یا خدمت مورد نظر برای مقاصد خود مناسب باشد، یک یا چند هدف خاص داشته باشد. این هدف می‌تواند شامل کنترل انواع، قابلیت استفاده، سازگاری، تعویض‌پذیری، بهداشت، ایمنی، حفظ محیط‌زیست، درک متقابل، عملکرد اقتصادی و تجارت باشد. البته که اهداف تنها محدود به این موارد نیست. (Wang Ping, 2011)

به طور کلی، می‌توان گفت که استاندارد کردن، تعیین محدودیت‌های اساسی برای تولید کالاهاست به گونه‌ای که کالاهای تولید شده اشکال و ویژگی‌های یکنواختی داشته باشد (فرجی، ۱۳۸۹). یا به بیان دیگر استانداردسازی سعی بر آن دارد تا محصولات یا خدمات تولیدشده یا ارائه شده، تقریباً یکسان باشد و اختلافات موجود ناشی از تصادفی بودن اجزای تشکیل دهنده محصول یا فرآیند باشد. استانداردسازی به طور کلی دارای مزایا و معایبی است؛ از فواید استانداردسازی می‌توان به کاهش هزینه و زمان اشاره کرد، البته استانداردسازی معایبی مانند عدم تنوع نیز دارد. به طور مشخص، طراحان باید به مسائل مهم مربوط به استانداردسازی در هنگام اتخاذ تصمیمات خود توجه نمایند. (فیروزآبادی، ۱۳۹۴)

در معنای وسیع‌تر، اگر استاندارد بعنوان راهنمایی جهت مقایسه معرفی شود، می‌توان استانداردسازی را گامی در جهت عدالت اجتماعی دانست. اگر جوامع گذشته نخستین گام را در مسیر استانداردسازی با تعیین معیارها، مقیاس‌ها و مکیال‌ها برای یکسان‌سازی کمیت‌ها برداشته

باشند، می‌شود فلسفه وضع آن‌ها را گامی در جهت رعایت اصل عدالت و تلاشی در جهت ارتقاء منافع مطلوب تمام افراد جامعه تلقی شود، چراکه عدالت به معنای توجه و رعایت موازین، به منظور اجتناب از ظلم و ضایع شدن حقوق انسان‌ها و اعطای حق هر صاحب حقی (مطهری، ۱۳۴۳)، اصلی است که ریشه در فطرت انسان داشته و دارای حسن ذاتی است. لذا این اصل از دیرباز مورد توجه بوده و بدین منظور در جوامع مختلف برای تحقق آن موازینی وضع شده‌است (علوی، ۱۳۹۰).

اگر بطور کلی محورهای استانداردسازی در چهار بُعد خلاصه شود، می‌توان گفت که سیر استانداردسازی از محصول شروع شد و به تدریج به ابزار و سنج و مقیاس‌ها و سپس به فرایند و روش انجام کار تسری پیدا کرد و اکنون دوره ورود استاندارد به طبیعت و محیط است و البته این موضوع ناشی از مشکلاتی است که علم و صنعت برای محیط و حیات بشری و طبیعی ایجاد کرده‌اند. (یزدان‌پناه، ۱۳۸۰) لذا در ادامه سعی می‌شود اشاره‌هایی به گستره استاندارد از نگاه شریعت اسلام در این چهار حوزه صورت پذیرد.

نقش جهان‌بینی، فرهنگ‌ها و ارزش‌ها در تدوین استانداردها

مطابق آنچه در توضیحات سایت سازمان بین‌المللی استاندارد (ایزو) آمده، در تهیه و تدوین استانداردها، از کارشناسان متخصص هر حوزه استفاده می‌شود و سعی می‌شود به‌گونه‌ای کاملاً بی‌طرفانه و بدون سوگیری و پیش‌فرض براساس آخرین دستاوردهای تجربی برای دستیابی به رویه مطلوب و بهره‌وری حداکثری استانداردهای مربوطه را تعیین یا اصلاح نمایند.^۱ اما بدیهی است که خود این نگاه ناشی از ارزش‌های پراگماتیسمی و رویکرد عینی‌گرایی بوده و قضاوت و دانش را کاملاً بی‌طرفانه و مجزای از جهان‌بینی‌ها تفسیر می‌کند. (هیچ و کانلیف، ۲۰۱۳) و این خود یک پیش‌فرض و سوگیری محسوب می‌شود.

1 <https://www.iso.org/developing-standards.html>

اما در مقاله حاضر، رابطه وثیق علم و دین مدخل اصلی ورود ما به مقوله استاندارد دینی می‌باشد؛ درست است که کشف خواص اجزای هستی وظیفه علم است اما نحوه‌ی استفاده از اشیا برای تأمین سعادت واقعی انسان از عهده علم خارج و این وظیفه مهم نیز بر دوش دین است، چراکه نحوه استفاده از اشیاء به رابطه انسان با جهان هستی مربوط می‌شود که در حیطه‌ی علوم انسانی قرار داشته و همان طور که در ادامه خواهد آمد آبخشور علوم انسانی اگر به وحی متصل نشود نتیجه‌ای جز زمین خوردن انسان و کجروی او نخواهد داشت. برای مثال؛ توصیف اینکه آب در چه درجه‌ای به جوش می‌رسد یا اینکه انگور در چه شرایطی تبدیل به شراب می‌شود، وظیفه علم است، (اگر هم گاهی دین در برخی حیطه‌های علم وارد می‌شود، اصطلاحاً جزو ارشادیات است نه مولویات) اما مجاز بودن یا نبودن استفاده از چنین مایعی بر عهده دین است.

طرفداران یکپارچگی علم و دین معتقدند اگر بخواهند یک تعبیر سازگار از تمامی تجارب خود داشته باشند باید به دنبال یک جهان‌بینی وحدت‌بخش بروند. زندگی نه به صورت بخش‌های مستقل، بلکه به صورت یک کل تجربه می‌شود. علم و دین (و به عبارت دقیق‌تر علم و الهیات) هر دو در مقام تبیین یک جهان هستند (گلشنی، ۱۳۹۴).

آفریننده جهان برای برقراری نظام خلقت در این عالم هستی برای هر چیزی حدی، مقداری و معیار و اندازه‌ای مقرر کرده‌است و برای برقراری روابط و مشی انسان‌ها با هم و حتی رابطه انسان‌ها با خالق خویش و تأمین سلامتی و نیکبختی آن‌ها، تبعیت و اطاعت از حدود و نظامات الهی، کتاب آسمانی (قرآن) و راهنمایان و پیامبرانی معصوم را که سیره آنان مشحون از قواعد و قوانین زندگی است فرستاده که در آن اشارات زیادی به قدر، اندازه، حدود نظم و قواعد زندگی مطلوب شده‌است. استاندارد پدیده‌ای تازه و امری بدیع و نوظهور و ساخته ذهن بشری نیست، بلکه مفهوم وسیع آن در تمام عالم هستی وجود داشته و دارد و انسان تنها با درک و اقتباس از عالم طبیعت و پیروی از خالق خود درصدد پیاده کردن و استقرار آن در سایر وجود و شؤون زندگی خود از جمله در زمینه تولیدات، مصنوعات و خدمات برآمده و فصل نوینی را در عالم صنعت، تولید و تجارت گشوده که آن را استاندارد نام نهاده‌است. در فرهنگ دینی جامعه و در قانون

اساسی چندین مورد به امور حاکمیتی و وظایف حکومتی از لحاظ تأمین ایمنی و سلامت مردم تأکید شده است (خاشعی، تمتاجی، ۱۳۹۵).

با این جهان‌بینی و خدانشناسی عمیق باید گفت جامعیت دین را باید در راستای هدف و رسالت آن ملحوظ داشت و از هر گونه افراط و تفریط در این زمینه پرهیز کرد. با نگاهی اجمالی به قرآن و روایات در می‌یابیم که هدف دین، تأمین سعادت دنیا و آخرت انسان است و چون امور دنیوی و مناسبات اجتماعی تأثیر شگرفی در روحيات و کمال انسان و تأمین سعادت واقعی وی دارند، دین خاتم هرگز نمی‌تواند از دخالت در این امور چشم‌پوشی کند و باید برای آن‌ها برنامه‌ای جامع ارائه نماید (صالحی امیری، ۱۳۸۱).

از این رو در این پژوهش با تمرکز بر موضوع استانداردسازی، این حوزه از منظر اسلامی مورد توجه قرار گرفته و تلاش شده است تا ظرفیت‌هایی برای استفاده از منابع دینی در فرایند استانداردسازی ارائه گردد. باید توجه داشت که به تصریح اسناد بالادستی کشور مانند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت یا بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، اصطلاحات الگوی اقتصادی بومی و علمی و برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی نشان می‌دهد که تمام راهبردهای ذکر شده در این اسناد را نمی‌توان از کشورهای دیگر کپی‌سازی و اجرا کرد. لذا در این تحقیق بر منظری از استانداردسازی تأکید شده که باید ابعاد فرهنگی، اقتصادی و بطور خاص، دینی جامعه در آن لحاظ گردد.

۳ پیشینه تحقیق

خاشعی و تمتاجی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «مفهوم‌پردازی و تبیین مؤلفه‌های استانداردسازی از منظر اسلام (در جهت تحقق خط‌مشی‌های اقتصاد مقاومتی)» با تفکیک نگرش علمی و مکتبی به مقوله‌ی استانداردسازی، به تحلیلی استنباطی از کار و فعالیت استاندارد در سیره‌ی معصومین علیه‌السلام پرداخته‌اند و بر استاندارد به‌عنوان امری ارزش‌مدار و با جهت‌گیری ارزشی تأکید کرده و تأثیر ایمان و نیت خالص را در کار استاندارد مورد تدقیق قرار داده‌اند. از این منظر، استاندارد شامل دو بعد حسن فاعلی اعم از انگیزه، ایمان و نیت خالص (بستر هدف

صحيح)، به همراه حسن فعلی اعم از عمل صالح (کار صحيح به روش صحيح) است که به حیات طیبه منجر خواهد شد و در انتها الگویی نظری برای استانداردسازی از منظر اسلام ارائه نموده‌اند. همچنین رازینی (۱۳۹۲) در کتابی تحت عنوان «تأملاتی درباب استاندارد از منظر اسلام» به گردآوری و ویراستاری مجموعه مقالاتی پرداخته است که از سوی تعدادی پژوهشگران مدیریت اسلامی برای بررسی و پاسخ‌گویی به سوالاتی مانند: آموزه‌های اسلامی در قرآن و سیره معصومین در موضوعات استاندارد اسلامی، مبانی، دامنه و ابعاد استاندارد اسلامی نوشته شده است که در خلال این مقالات اهمیت ایمنی در اسلام، اهمیت اندازه‌ها و مقادیر در اسلام، استاندارد در کشورهای اسلامی، مراتب ایمان از منظر اسلام و ... مورد بررسی و توجه قرار گرفته است. در مقاله حاضر نیز به طور خاص از این کتاب و مقالات آن در برخی موارد الگوگیری شده است. وجه تمایز مقاله حاضر نسبت به پیشینه مطالعات حوزه استاندارد اسلامی، شناسایی و بررسی دلالت‌های اسلامی مربوط به استاندارد و استانداردسازی در پنج ساحت استاندارد فرایند انجام کار، محصول، مقیاس، محیط و رتبه‌بندی‌های استانداردها است.

۴ روش تحقیق

دلالت‌پژوهی

برای تبیین اثر نور بر بهره‌وری نیروی انسانی در سازمان‌ها از روش پژوهش‌های آزمایشی استفاده می‌کنیم، و برای درک هم‌آیندی رضایتمندی شهروندان از خدمات سازمان‌های دولتی با مشارکت آن‌ها در انتخابات شوراهای شهر به روش همبستگی متوسل می‌شویم و فهم فرهنگ مشترک یک گروه سازمان یا یک جامعه محلی مستلزم بهره‌گیری ما از قوم‌نگاری است و ساخت نظریه بی‌تفاوتی کارکنان یک سازمان خاص استراتژی نظریه داده‌بنیاد را طلب می‌کند و برای فهم جوهره یک تجربه توسط افرادی خاص به پدیدارشناسی روی می‌آوریم و ... برای بررسی دلالت‌ها، آثار، تبعات، کاربردهای یک فلسفه، یک چارچوب، یک نظریه، یک مدل یا یک ایده برای رشته یا موضوع مورد علاقه‌تان از چه روش‌شناسی‌ای استفاده می‌کنید؟ به عبارت دیگر اگر

از شما بپرسند فلسفه رئالیسم انتقادی چه کاربردی یا رهنمودی برای حوزه مطالعاتی شما دارد به چه روشی متوسل می‌شوید. نوعی کمبود روش‌شناسی که تاکنون جواب تنسیق شده‌ای نه در جوامع علمی بین‌الملل و نه در جوامع علمی کشور به آن داده نشده است. دانایی فرد این نوع مطالعات را "مطالعات دلالت پژوهی" نامگذاری کرده و روش‌شناسی متناسب با آن‌ها را "روش‌شناسی دلالت پژوهی" حک کرده است.

در محافل علمی، وقتی فلسفه، ایده، چهارچوب، نظریه یا مدلی جدید مطرح می‌شود همه رشته‌ها تمایل دارند از آن‌ها برای توسعه دانش رشته‌ای خود بهره‌گیرند. برای این بهره‌گیری چه روشی وجود دارد؟ برای مثال دین چه حرفی برای حکومت‌داری، خط‌مشی‌گذاری، آرامش روانی، روابط اجتماعی، روابط بین‌الملل و... دارد؟ نهج‌البلاغه امام علی علیه‌السلام برای "تعامل حکومت و مردم" چه رهنمودی دارد؟ واقعیت آن است که قرآن و سایر کتب آسمانی به صورت مستقیم به همه موضوعات مطرح در رشته‌های مختلف نپرداخته‌اند. همین‌طور وقتی فلسفه‌ای مطرح می‌شود همه رشته‌ها تلاش می‌کنند از آن در توسعه و تعالی رشته خود بهره‌گیرند زیرا فلسفه‌ها برای یک رشته خاص و موضوع خاص مطرح نمی‌شوند و صبغه عمومی دارند. برای مثال فلسفه رئالیسم چه دلالت‌هایی برای مطالعات دینی، سیستم‌های اطلاعاتی، روانشناسی سلامت و... دارد؟ حتی وقتی در یک رشته خاصی برای مثال جامعه‌شناسی، روانشناسی، علوم سیاسی، ایده‌ها نظریه یا مدلی مطرح می‌شود رشته‌های دیگر در تلاشند تا به نوعی به استقراض از آن‌ها بپردازند تا رشته خود را توسعه دهند. برای مثال نظریه دوگانگی ساختار-عاملیت‌گیدنز که در رشته جامعه‌شناسی مطرح شده است در حوزه ساختار سازمانی که در رشته مدیریت واقع شده است مورد استفاده قرار گرفته است.

بر این اساس چون تاکنون چنین روشی در جوامع علمی روش‌شناسی ارائه نشده است این روش‌شناسی می‌تواند به ارزیابانی که قصد دارند چنین پژوهش‌هایی را مورد ارزشیابی و ارزیابی قرار دهند کمک خوبی کند و دانش پژوهان و دانش‌جویان را از کابوس روش‌شناسی حاکم بر این پژوهش‌ها نجات خواهد داد. اگرچه برخی تأکید بیش از حد بر روش‌شناسی را مایه عقیم ساختن

اذهان و اندیشه‌ها می‌داند ولی شلختگی بیش از حد فرآیند انجام پژوهش را دست مایه سوء استفاده و بد اخلاقی‌های پژوهش می‌داند. هدف نویسنده از ابداع این روش‌شناسی کمک به این دو گروه (دانش پژوهان و ارزیابان) بوده است.

در عناوین مقاله‌ها یا کتاب‌ها، عباراتی نظیر دلالت‌هایی (برای)، تبعات (برای)، تأثیرات (برای)، نقش‌هایی... از عبارات پرکاربرد هستند. در مقاله‌ها و کتب فارسی نیز بعضاً عبارات «دلالت‌هایی برای»، «رهنمودهایی» مواجه شده‌ایم. منظور از این عبارات چیست؟ واقعیت آن است که گاهی اوقات نویسندگان یا پژوهشگران می‌خواهند از یک فلسفه، چارچوب، نظریه، مدل یا ایده‌های رهنمودهایی استخراج کنند که چندان مصرف مستقیم در عمل ندارند. این رهنمودها ممکن است بعدها تبدیل به دانش خاص رشته تخصصی آن پژوهشگر شوند. به عبارت دیگر، گاهی اوقات پژوهشگران می‌خواهند از سایر رشته‌ها، از فلسفه‌های مختلف، از رشته‌های پایه‌ای، از یک چارچوب، از یک نظریه، از یک مدل، از یک ایده ابتدایی مطرح در سایر رشته‌ها رهنمودهایی قرض کنند و آن را در حوزه تخصصی خود بکار گیرند. به این عمل، "دلالت پژوهی" اطلاق می‌شود.

نظر به این که در مراحل مختلف انجام پژوهش‌های دلالت پژوهی از شیوه‌های مختلفی می‌توان بهره گرفت عنوان روش‌شناسی برای آن انتخاب شده است. اگر چه تدقیق مراحل انجام در روش‌شناسی پژوهش اهمیت دارد، یعنی پژوهش باید مرحله‌مرحله انجام شود ولی واقعیت این است که این فرآیند به صورت خطی غیر قابل برگشت انجام نمی‌شود؛ بلکه بین گام‌ها رفت و آمدهای متعددی شکل می‌گیرد تا نتیجه حاصله معتبر و قابل‌اتکاتر شود. روش‌شناسی دلالت‌پژوهی نیز گام‌هایی را طی می‌کند ولی این گام‌ها خطی کامل نیست؛ بلکه مدام بین مراحل بده و بستان صورت می‌گیرد. این روش دارای یازده مرحله است که ذیلاً تشریح می‌شوند:

- تعیین مناسب بودن پژوهش دلالت پژوهی؛

- تعیین مأخذ احصا دلالت‌ها برای پرداختن به مسئله پژوهشی؛

- تعیین فرآیندی برای واکاوی ابژه منتخب؛

- تعیین چارچوب مفهومی موضوع دلالت پژوهی؛
 - نمونه‌گیری نظری ابژه؛
 - دلالت پژوهی احصای سهم‌باری‌های ابژه؛
 - دلالت پژوهی اعتبارسنجی سهم‌باری‌های ابژه؛
 - دلالت پژوهی؛
 - متناسب‌سازی سهم‌باری‌ها با چارچوب مفهومی موضوع دلالت پژوهی؛
 - احصاء دلالت‌های مورد نظر؛
 - اعتبارسنجی دلالت‌های احصایی؛
 - تدوین گزارش پژوهش.
- چون نیت پژوهش دلالت پژوهی یا ترسیم دلالت‌های ایده‌های کلیدی یک فلسفه، چارچوب، نظریه یا مدل برای رشته متقاضی است، شناسایی و تعیین یک فرآیند موقتی اولیه در مطالعه دلالت پژوهی ضروری است. ممکن است فرآیند در حین مطالعه شما تغییر کند ولی تصویری فرآیندی از مراحل پژوهش نیاز دارید. این فرآیند می‌بایست به طور طبیعی از مسئله پژوهش و سؤال‌هایی که در پی پاسخ به آن هستید تا دلالت‌های اعتبارسنجی شده باشد.
- مسئله پژوهشی ایجاب می‌کند که نوعی از مطالعه ایده‌های کلیدی از ابژه منتخب به شیوه دلالت پژوهی انجام شود که خود فرآیندی را طی می‌کند مشتمل بر:
- یافتن ایده‌های کلیدی؛
 - اعتبارسنجی ایده‌های کلیدی؛
 - تعیین دلالت‌های مناسب؛
 - اعتبارسنجی دلالت‌ها (دانایی فرد، ۱۳۹۵).

برهمن اساس در پژوهش حاضر پس از مطالعه منابع دست اول دینی، در رأس آن‌ها قرآن کریم و سپس کتب روایی و فقهی، دلالت‌های مربوط به هریک از حوزه‌های استاندارد احصا شده و توضیحاتی ناظر به هریک از آن‌ها ذکر شده است.

۵ یافته‌های تحقیق

از دیدگاه اسلام، انسان یک موجود مادی محدود به این دنیا نیست، بلکه موجودی است فراتر از ماده و دارای زندگی جاوید که همه‌ی شئون و اعمال او با سرنوشت نهایی‌اش ارتباط دارد. یعنی هرگونه تلاشی برای این زندگی، در سعادت و یا شقاوت ابدی او تأثیر خواهد داشت. از این رو نوع رفتار اجتماعی و سیاسی‌ای که انسان برمی‌گزیند، به مانند رفتارهای فردی‌اش، تأثیر قطعی در سعادت و خوشبختی و یا شقاوت و بدفرجامی اخروی او دارد و لذا دینی که علاوه بر مسائل فردی به مسائل اجتماعی انسان و سعادت و هدایت جامعه می‌اندیشد، نمی‌تواند نسبت به اجرای احکام و چگونگی اداره‌ی جامعه، تعیین ساختار حکومت، اصل عدالت و قیام به قسط، ایجاد تعاون و امنیت در جامعه و ... طرح و نظری نداشته باشد (صالحی امیری، ۱۳۸۱).

طبق جهان‌بینی برخواسته از اسلام و با عنایت به توحید در خالقیت پروردگار عالم، این نتیجه به دست می‌آید که آفریننده جهان هستی، آن هم به بهترین نحو (علق، آیه ۲) و ترتیب‌دهنده نظامات و ضوابط موجود میان آن‌ها (علق، آیه ۳) و در یک کلام، مری من المهد الی اللحد مخلوقات (طه، آیه ۵۰)، بهتر از هر کسی می‌تواند به شرح و تفصیل بایدها و نبایدها و بیان ملزومات حداقلی و رویه‌های موجود میان اشیای عالم پرداخته و اصلاً این مهم، جز از او سزاوار نبوده و در غیر این صورت، سرشار از نقصان و عیب و خطا خواهد بود. همچنین براساس حکمت الهی و هدفدار بودن خلقت (آل عمران، آیه ۱۹۱) که جز عبادت خدا به معنای حرکت در مسیر کمال مطلق و تجلی مفهوم خلیفه الهی نیست (ذاریات، آیه ۵۶)، لازم می‌آید که تمام الزامات و دستورات نیل به این مهم از سوی باری تعالی ابلاغ شود، آن هم از طریق وحی. اما آیا هرکسی قادر است به این سرچشمه لایتناهی متصل شود؟ خیر، فلسفه ارسال رسل همین بوده و ما

معتقدیم که تمامی ضوابط لازم در قالب دین اکمل اسلام بر آخرین فرستاده الهی نازل شده (مائده، آیه ۳) و هیچ امری مقتضای رشد آدمی نیست، الا اینکه در کتاب صامت (قرآن کریم) و یا ناطق (سیره اهل بیت) ذکر شده، (انعام، آیه ۵۹)؛ البته که توانایی استنباط این قوانین برای عموم میسر نبوده و ساز و کار مشخص خود را دارد.

۵-۱ دلالت‌های اسلامی بر موضوع استاندارد

روابط چهارگانه انسان، محورهای قابل توجه در استاندارد

لزوم وجود مفهوم استاندارد البته به معنای وسیع‌تر از معنای کنونی در شریعت اسلام که داعیه‌دار آخرین و کامل‌ترین دین ابراهیمی بوده و همچنین مدعی جاودانگی و در اختیار داشتن برنامه‌ی جامع سعادت دنیوی و اخروی بشر است، از این جهت بدیهی می‌ماند که در تعریفی جامع، دین دربردارنده‌ی مجموعه‌ای از تعالیم و دستورالعمل‌ها برای تنظیم روابط چهارگانه موجود میان انسان، خدا، هستی و جامعه بوده (اژدری زاده، ۱۳۸۸) و از این قواعد، تعبیر به استانداردهای جامع، مستوفا و فراگیر برای حداکثر سازی سرعت رشد انسان در مسیر فلاح هر دو جهان می‌شود. با این نگاه جدید ضرورت تطابق هرچه بیشتر رویه‌ها و قوانین کنونی با این استانداردها روشن می‌شود، چرا که به اذعان علما و فلاسفه، دین، پاسخ به عمیق‌ترین و متعالی‌ترین نیازهای بشر است (نکوئی، ۱۳۸۶).

در این خصوص باید گفت تبعیت از این احکام و دستورات که در قالب احکام خمسه‌ی تکلیفی بیان شده، در حقیقت به معنای رعایت بایدها و نبایدهای صادره از سوی شریعت بوده و در عمل موجب قرارگیری فعل ما در چارچوب استانداردهای مدنظر اسلام در ارتباطات چهارگانه انسان است. بر این اساس عمل ما آنگاه به نتیجه مطلوب می‌رسد و احکام وضعی همچون صحت بر آن بار می‌شود که ما تمامی دستورالعمل‌ها را پیاده کرده باشیم. مساله‌ای که در اینجا باید مطرح شود این است که همانطور که شناخت حقیقی و تام قوانین و چگونگی ارتباط انسان و هستی را منحصر در ذات باری تعالی دانستیم، باید بپذیریم که مشخص کردن نتایج عمل به این تدابیر نیز، باید از سوی او وضع شود. به همین ترتیب است که احکام وضعی (از جمله طهارت و نجاست،

صحت و بطلان، مالکیت، زوجیت و...) نیز یا باید از سوی شریعت نازل شده باشند (سیره متشرعه) یا لاقلاً به امضای شارع رسیده باشند (سیره عقلا). درست است که برای تأیید افعال مسلمین از سوی اسلام صرف رعایت ظاهر استانداردها و یا به تعبیری استانداردهای ظاهری (حسن فعلی) کفایت می‌کند و عمل انسان بر اساس سنت‌های الهی موجود و رابطه‌های علی و معلولی که به نحو تکوینی در عالم هستی برقرار است، از سوی شرع تأیید شده است؛ اما جنبه‌های باطنی استاندارد و نیت انجام افعال (حسن فاعلی) نیز برای رسیدن به بهترین مشیت خداوند در روابط علی و معلولی لازم است که به بهترین شکل محقق شود.

معارف دینی موید این نکته مهم است که هرچه در کشاکش روابط روزمره به بندگان می‌رسد، ثمره اعمالی است که یا مطابق این استانداردها (معروف) یا خلاف آن‌ها (منکر) انجام می‌دهند و همگی در سازوکار علی و معلولی هستی که تنها بخشی از آن برای انسان روشن است، تحلیل می‌شود. شاهد مثال این قضیه هم روایتی از امام باقر علیه‌السلام است که می‌فرمایند: «هیچ گرفتاری به بنده نمی‌رسد مگر به سبب گناه» (کلینی ۱۳۸۸ق، ج ۲، ص. ۲۶۹). همچنین در این مسیر همواره مومنین را به الگوگیری و تناسب هرچه بیشتر با الگوهای ناب و انسان‌های کامل توصیه کرده‌اند. امیرالمومنین علیه‌السلام می‌فرمایند: «به پیامبر خود صلی‌الله‌علیه‌وآله، آن نیکوترین و پاکیزه‌ترین مردم اقتدا کن که او بهترین مقتداست برای هر کس که به او تأسی جوید و شایسته‌ترین انتساب، انتساب به اوست. نیکوترین بندگان در نزد خدا، بنده‌ای است که به پیامبرش اقتدا کند و به دنبال او رود.» (رضی، خطبه ۱۶۰) آن اندازه که انسان کامل در وجود، زندگی و حرکات و سکنات خود ارزش‌ها و باسته‌ها را به افراد بشر آموزش می‌دهد و آنان را تربیت می‌نماید، قوانین و پند و اندرزها و دیگر وسائل توجیه‌کننده نمی‌توانند چنین نقش مهمی را ایفا نمایند (محمدتقی جعفری، ۱۳۷۵). سفارش به محاسبه نفس و ارزیابی و سنجش میزان تطابق عمل با این الگوها در انتهای هرروز، بر همین اصل دلالت دارد. امام کاظم علیه‌السلام می‌فرمایند: «از (دوستان و پیروان) ما نیست کسی که هر روز بررسی اعمال نداشته باشد. پس اگر کارهای خوب و حسنه داشته باشد، از خداوند متعال طلب زیادتی و افزایش کند و سپاس خداوند

را گوید و چنانچه کار زشت و شرّی انجام داده، به درگاه خدا استغفار و توبه نماید» (کلینی ۱۳۸۸ق، ج ۲، ص ۴۵۳).

با توجه به مطالبی که بیان شد، راهبرد مشخص‌کننده‌ی سیاست‌های کلی در امور زندگی آموزه‌های شریعت است. بنابراین سخن اصلی در خصوص استنباط و استخراج سیاست‌های یادشده _ استانداردهای زندگی در روابط چهارگانه انسان میان خود، خدا، هستی و مردم _ از دین، مطابق شاخه‌های موجود از استاندارد متعارف یعنی استاندارد محصول، فرایند انجام کار، مقیاس و محیط است.

۵-۲ انواع دلالت‌ها

۵-۲-۱ استانداردسازی محصول و خدمات

اگر از زاویه‌ای متفاوت به بحث نگریسته شود، مشخص می‌شود که موضوعاتی همچون شهرسازی، معاملات و کسب و کار، کشاورزی، غذا و دارو و پزشکی وحتى صنعت نظامی دارای قواعدی بالادستی بوده که در برخی به طور اختصاصی و مستقیم و در برخی دیگر به طور عمومی و با واسطه، می‌توان به عنوان استاندارد لحاظ شده و نسبت به رعایت آن‌ها اهتمام ورزید. به عنوان مثال در انجام معاملاتی مانند خرید و فروش روزمره، فصلی مجزا و مفصل در فقه تحت عنوان باب بیع، به بیان ریز و دقیق قوانین مدنظر شارع برای صحت معامله اختصاص یافته است همچنین در مسائل دیگر اجتماعی مانند ازدواج نیز اینگونه است. در موارد دیگری همچون عمران و شهرسازی، مباحثی مانند لزوم رعایت حقوق همسایه‌ها، توجه به بیرونی و اندرونی خانه برای حفظ نوامیس از نگاه نامحرمان یا عدم همسایگی با برخی گروه‌ها و یا حتی توجهات معنوی نسبت به چیدمان اتاق‌ها و... مباحثی هستند که پای استانداردهای اسلامی را به میان می‌آورند. محصول استاندارد از نظر مشتری، محصولی است که مزیت‌هایی مانند زیبایی، راحتی، اقتصادی بودن، خدمات پس از فروش و از همه مهمتر کیفیت را دارا باشد. از منظر حاکمیتی نیز، محصول استاندارد باید شامل کمینه الزامات لازمی که منابع ملی را به خطر نمی‌اندازد، باشد. این الزامات شامل مشخصه‌های عملکردی، ایمنی، محیط زیست، صرف منابع مطلوب برای تولید متناسب با نیاز و هدر ندادن منابع در طول بهره‌برداری می‌باشد (بحیرایی، ۱۳۹۳).

در همین راستا موارد بسیاری وجود دارد که در جوامع دینی از گذشته تا به حال جاری بوده و بیانگر استانداردهایی ناظر به محصول هستند. آن چیزی که امروزه به عنوان قوانین استاندارد شناخته می‌شود، بر اساس مبناهایی است که هر یک از آن‌ها به طور جداگانه منشأ احکام در میان احکام فقهی بوده‌اند. اما دسته‌بندی و استفاده از آن‌ها به شکل استاندارد در فقه وجود ندارد. با این حال، ظرفیت بالقوه جهت حرکت به سوی استخراج قواعد و احکام جدیدی است که در قالب‌های نوین بتواند بخش عمده‌ای از کارکرد قواعد استاندارد امروزی را بر عهده بگیرد (کاظمی نجف آبادی، ۱۳۹۰). از جمله این موارد، توصیه‌هایی به نیروی کار در زمینه رعایت اصول تولید است. محکم کاری و عدم تسامح در وظایفی که برعهده انسان قرار گرفته‌است را می‌توان جزو این دست توصیه‌ها برشمرد.

همچنین اگر به قرآن کریم رجوع کنیم با آیاتی مواجه هستیم که از کم‌فروشی نهی کرده و مسلمین را به رعایت میزان و دقت در وزن سفارش می‌کنند (به عنوان نمونه: رک: الرحمن، ۹-۷؛ مطفین، ۱؛ اسراء، ۳۵؛ هود، ۸۴). مسئله کم‌فروشی گاهی تعمیم داده می‌شود و هر نوع کم‌کاری و کوتاهی در انجام وظایف را شامل می‌شود. به این ترتیب، خدمات هم در کنار تولید محصول، شامل این مفهوم شده و بدین ترتیب، کارگری که در کار خود کم می‌گذارد و همچنین معلم و استادی که درست تدریس نمی‌کنند، کارمندی که به موقع سر کار خود حاضر نمی‌شود و دلسوزی لازم را ندارد، همه مشمول این حکم کلی قرار گرفته و در عواقب سخت آن سهیم‌اند. البته برخی از آیات پیرامون کم‌فروشی، به طور مستقیم شامل این تعمیم نمی‌شوند، بلکه یک توسعه عقلی نیاز دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴).

دسته دیگری از آیات قرآن کریم که مرتبط با اتقان و رعایت استانداردها در تولید محصول‌اند، نمونه‌هایی از محکم‌کاری‌های انبیاست. خداوند متعال در داستان ذوالقرنین کیفیت سد بناشده توسط ایشان را این‌گونه بیان می‌دارد که بقدری محکم بود که کسی قادر نبود از آن بالا رفته یا خسارت و شکافی در آن ایجاد کند (کهف، ۹۷). همچنین در شرح ساختن زره توسط حضرت داوود علیه‌السلام خداوند متعال می‌فرماید ما به او گفتیم زره‌های کامل بساز و حلقه‌های آن‌ها را

به‌اندازه و متناسب کن (سبأ، ۱۱). این دستور خداوند متعال، دستور به محکم‌کاری و رعایت دقت در کیفیت و کمیت تولیدات است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۱۱۳)

در سیره عملی اهل بیت علیهم‌السلام نیز توجه به استانداردها و دقت لازم برای عرضه محصولی باکیفیت مشهود است. از روایات مشهور در این زمینه، داستان سعدبن معاذ است که وقتی از دنیا رفت، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله دستور دادند سعد را غسل دهند و خودش بر در خانه ایستاد. زمانی که سعد را کفن کردند و تابوتش را برداشتند، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بی کفش و ردا او را تشییع کرد تا اینکه به قبرش رسید، سپس خود میان قبر رفته و لحد او را درست کردند و مرتب می‌فرمودند سنگ و گل به من بدهید و میان خشت‌ها را گل می‌زد. وقتی کار تمام شد پیامبر اسلام فرمودند: «می‌دانم این قبر کهنه می‌شود و کهنگی به او سرایت می‌کند، ولی خدا دوست دارد هر که عملی را انجام می‌دهد، آن را محکم و استوار انجام دهد (حرعاملی ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۳۰).

پس می‌توان نتیجه گرفت که رعایت استحکام در انجام امور، مصادیق دینی متعددی دارد و مورد تأکید خداوند متعال و معصومین قرار گرفته‌است. لذا در دین مبین اسلام و جامعه ایمانی که از سرمایه وحی برخوردار است، ظرفیت قابل توجهی برای ترویج مفاهیم استاندارد در کالا و خدمات و ترویج فرهنگ محکم‌کاری وجود دارد (رفیعی پیشوری، ۱۳۹۷).

۵-۲-۲ استانداردسازی فرایند

نکته دیگر اینکه مفهوم استاندارد در نگاه اسلام و مدیریت متعارف، هم به لحاظ هدف و هم به لحاظ وسعت مفهومی متفاوت می‌باشد. در نگرش مادی غرب، هدف عقلانیت اقتصادی بوده و تمام استانداردها در راستای آن تدوین شده‌است. اما از دید اسلام، هدف عقلانیت تربیتی و کمال اخلاقی می‌باشد و همه دستورات مبتنی بر آن تنظیم شده‌است. همچنین به لحاظ وسعت مفهومی در نگاه متعارف، استانداردها تنها از بعد عینی مد نظر قرار گرفته، اما در اسلام هم به ماده و هم به معنا یا به تعبیری به روح حاکم بر فرایند توجه شده‌است. در مقام مقایسه، سطوح عالی موضوعات استاندارد در نگاه مدیریت روز، حداقل سطوح تکاملی استاندارد از منظر اسلام

است (خان محمدی، اصلی پور، خان محمدی، ۱۳۹۰). برای مثال می توان به احکام حج توجه کرد. چرا باید مسلمانان برای احرام لباس سفید بر تن کنند و دور خانه خدا با لباسی سفید و متحد الشكل طواف کنند؟ شاید یکی از دلایل مهم این حکم، حفظ یکپارچگی و یکرنگی حج گزاران است به طوری که افراد به واسطه رنگ لباس و ظاهر خود، انگشت نما نشوند. بنا نیست در حج افراد نسبت به لباس خود رقابت و فخر فروشی کنند، بلکه همه لباسی شبیه لباس آخرت و کفن برتن کرده و در برابر پروردگار خود شبیه به هم ظاهر می شوند. این می تواند نمادی از یکسانی همه حج گزاران در نزد خداوند باشد. پس معنا و روح یکرنگی موجود در این اجتماع عظیم، دعوت مردم و جوامع اسلامی به وحدت کلمه و رفع اختلافات بین طبقات مسلمین است که موجب شکل گیری جبهه مستضعفین با وحدت کلمه و شعار لا اله الا الله و رهایی از تحت اسارت قدرت های شیطانی، اجانب و استعمارگران و استثمارگران با اخوت اسلامی است. زیرا رمز تمام گرفتاری های کشورهای اسلامی، اختلاف کلمه و عدم هماهنگی است و رمز پیروزی، وحدت کلمه و ایجاد هماهنگی بوده و اعتصام به حبل الله بیان هماهنگی جمیع مسلمین است (روح الله موسوی خمینی، ۱۳۶۸). در مثالی دیگر، یکی از نکاتی که در روایات بسیار بر آن تأکید شده، نظم در صف های نماز جماعت است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «صف های خود را منظم کنید؛ زیرا مرتب و برابر بودن صفوف، (شرط) تمام و کمال بودن نماز است» (مجلسی، بی تا، ج ۸۵، ص ۱۸). در حقیقت هیچ چیز مثل صفوف منظم نماز جمعه و جماعت و نماز گزارانی که شانه به شانه کنار هم ایستاده اند، اتحاد و وحدت مسلمانان را نشان نمی دهد، به همین دلیل است که در دین ما، توصیه های فراوانی به برپایی نماز جمعه و جماعت و شرکت در آن شده است.

همچنین ناظر به فرایند تولید متداول و امروزی نیز، تدابیری از اسلام به عنوان قانون حاکم بر فرایند نقش آفرینی می کنند. اسلام مسلمانان را با مفاهیمی چون اسراف، تبذیر و اتراف که افعالی ناپسند و حرام هستند، به سمت فرایندی که خود مد نظر دارد یعنی تولیدی که با استفاده حداکثری و جلوگیری از هدر رفت منابع است، سوق می دهد. بنابراین در مبانی دینی، مصرف بی رویه مواد و انرژی و اتلاف سرمایه برای تولید کننده و حتی مصرف کننده، جایز نیست و اصلاح

و استانداردسازی فرایندها و به صفر رساندن خطاهای مراحل مختلف تولید که ضایعات و هدر رفت مواد اولیه محصول را به دنبال دارد از بایسته‌های تولید است (سیدی‌نیا، ۱۳۸۸).

۵-۲-۳ استانداردسازی ابزار، سنجه‌ها و مقیاس‌ها

حد پایین استاندارد در اسلام مربوط به تعریف سنجه‌های کمی و مقوله اندازه‌گیری است و شباهت زیادی هم به استانداردهای متداول دارد و دارای اهمیت بسزایی نیز در دین است که در این مجال شایان ذکر است. با نگاهی به کتب فقهی، می‌توان استفاده از معیارهای مختلف جهت اندازه‌گیری و سنجش را در میان احکام مختلف و به صورت پراکنده مشاهده نمود. در عناوین فقهی مناسبات فراوانی وجود دارد که در آن‌ها استفاده از اوزان و مقادیر متعدد است. به نظر می‌رسد در اکثر این موارد ریشه و مبنای معیارهای ذکر شده قرآن کریم و احادیث بوده و فقها همواره ترجیح می‌داده‌اند هم به جهت تبرک و هم به جهت یکسان‌سازی و آشنایی و دسترسی همه مردم به احادیث، تا حد امکان از متن حدیث جهت انشاء و تکمیل فتاوا و استنباطات خود استفاده کنند همچون درهم و دینار، شبر یا وجب، فرسخ و یا وسق، ساع یا مد که بعنوان مقیاس‌های واحد جهت اندازه‌گیری و سنجش در ابواب مختلف احکام مورد استفاده قرار گرفته است (کاظمی نجف آبادی، ۱۳۹۰). البته در این زمینه، استانداردهای اسلام، در برگیرنده ابعاد دیگری همچون کیفیت کار یا کالا، ضمانت اجرا یا همان باب‌خیرات و حتی ایمنی فرد و جامعه نیز است.

یکی از اولین و اصلی‌ترین کارکردهای قواعدی که امروزه به عنوان قواعد استاندارد شناخته می‌شود، ایجاد معیارهای سنجش و اندازه‌گیری یکسان برای مقادیر و محاسبات است که موجبات تسهیل تبادل کالا و اطلاعات و ارائه خدمات را میان افراد ملت‌های مختلف به وجود آورده است. این مسئله در مراحل بعدی به تعیین اندازه‌ها و مقادیر استاندارد در مورد کالاها و خدمات مختلف نیز تسری پیدا می‌کند و اگر با این سوال که «این قواعد تا چه میزان در اسلام مورد توجه بوده و به آن‌ها پرداخته شده است؟» به سراغ دین برویم، با مصادیق متعدد و متنوعی مواجه می‌شویم. در منابع اسلامی موارد متعددی وجود دارد که در آن‌ها به اهمیت اندازه‌ها و مقادیر اشاره شده است. در قرآن کریم، که اولین و مهم‌ترین منبع فقهی به شمار می‌رود، آیات متعددی بر اهمیت

این مطلب اشاره دارد. از این جمله خداوند متعال در آیات دوم و سوم سوره اعلی در توصیف خود می‌فرماید: «پروردگاری که اجزای عالم را از عدم به وجود آورده و هر یک را در جایی قرار داد که باید قرار می‌داد و پروردگاری که هر چیزی را دارای حدود و اندازه‌ای کرد به طوری که برای رسیدنش به هدف نهایی از خلقتش مجهز باشد». همچنین می‌فرماید: «و هر چیزی را آفرید و آن گونه که باید، اندازه‌گیری کرد». و همچنین می‌فرماید: «و هر چیز نزد او به مقدار و اندازه‌ای است» و همچنین می‌فرماید: «همانا ما هر چیز را به اندازه‌ی معینی آفریده‌ایم» (رعد، آیه ۸). این آیات بخوبی نشان می‌دهد که در نگاه اسلام، تعیین اندازه و وزن مسأله‌ای مورد توجه و در خور اهمیت است بگونه‌ای که خداوند متعال، در مقام وصف خود و به عنوان نشانه و آیه توحید، به اندازه و میزان داشتن خلقت اشاره داشته و آن را از نشانه‌های قدرت خود و دلیل بر وجود پروردگار برای عالم می‌داند. بی‌شک، این مسأله در احکام و مقررات نیز موثر واقع شده و مورد توجه مسلمانان می‌باشد. در برخی احادیث نیز در اهمیت توجه به مقادیر آمده است که بررسی و محاسبه مقدارها، مطالبی را روشن می‌کند که به ذهن نمی‌رسد (مجلسی بی‌تا ج ۷۸: ۳۶۹).

با بررسی کتب فقهی و مطالعه احکام شرعی مشخص می‌شود که استفاده از واحدهای اندازه‌گیری و سنجش، به‌خاطر نقشی که در اجرای دستورات الهی دارند، مهم و مورد توجه بوده است. احکامی مختلفی وجود دارند که فهمیدن و اجرا کردن آن‌ها مستلزم استفاده از واحدهای مختلف سنجش است. علاوه بر این مسأله، بحث مهم‌تر دیگری به نام معاملات وجود دارد، که به لحاظ مرتبط بودن با حقوق مردم یا حق الناس، از اهمیت دوچندان برخوردار می‌گردد. در بیع باید میزان کالا از لحاظ مقدار، کاملاً مشخص و معلوم باشد، (علامه حلی بی‌تا: ۱۲۱) و در صورتی که مشخص شود کالا به میزانی که مورد توافق قرار گرفته بود، نیست، خریدار می‌تواند معامله را فسخ نماید (علامه حلی بی‌تا: ۱۲۱). به لحاظ اهمیت تعیین میزان کالا و ثمن، این مطلب به‌عنوان جزئی از فرایند انجام معامله آورده شده است (علامه حلی بی‌تا: ۱۲۵) و تکلیف هر یک از طرفین نسبت به آن تعیین گردیده است (علامه حلی بی‌تا: ۱۳۱) و به لحاظ همین اهمیت است که از اندازه‌گیری شخصی که نسبت به میزان‌ها اطلاع کافی ندارد، نهی گردیده است (علامه حلی بی‌تا: ۱۱۹).

بررسی متون فقهی نشان می‌دهد موارد فراوانی وجود دارد که در بیان احکام و دستورات شرعی، فقها از واحدهای مختلف اندازه‌گیری استفاده کرده‌اند. این موارد گاهی مربوط به احکام مربوط به روابط انسان با خداوند بوده است، مانند زکات و گاهی نیز به روابط اشخاص با یکدیگر مربوط می‌شده است مانند بیع و دیه. با سیر در متون فقهی این نکته بدست می‌آید که بنا به دلایل مختلف، همواره فقها سعی کرده‌اند از واحدهای اندازه‌گیری که در اصل منابع احکام، یعنی قرآن و احادیث وجود داشته است، استفاده کرده و عین آن‌ها را در استنباط‌های خود ذکر نمایند. دلیل این مطلب می‌تواند دقت و وسواس زیاد فقها برای دقیق بودن باشد. و این دقت شاید به این دلیل باشد که کسانی که در آینده به کتاب‌های فقهی مراجعه می‌کنند، بتوانند با داشتن آنچه در متن احادیث و روایات آمده، خود استنباط فقهی داشته باشند؛ یا می‌تواند به دلیل تبرک باشد که فقیه متن حکم استنباطی خود را از عبارت معصوم اخذ کرده است؛ یا می‌تواند دلایل دیگری داشته باشد. اما معمولاً فقها سعی کرده‌اند پس از استفاده از معیارهای روایی، میزان آن را بر اساس واحدهای متداول در زمان و منطقه سکونت خود بیاورند تا احکام آن‌ها قابلیت اجرایی نیز داشته باشد. بر این اساس دو مطلب مشخص می‌گردد؛ اول اینکه مسأله استفاده از یکاها و سنجه‌های واحد به شکل برنامه‌ریزی و سازماندهی شده مدنظر فقها نبوده است و به تعبیری می‌توان گفت که چنین کارکردی برای یک فقه مدنظر نیست. این مسأله را می‌توان به خوبی در بحث اندازه‌ها و مقایر در احکام مربوط به معاملات مشاهده کرده که فتوای صریح بر این وجود دارد که باید در موارد مختلف به شایع در هر منطقه مراجعه کرد (علامه حلی بی‌تا: ۱۵۸). شاید استفاده از یکاهای واحد که در اقصی نقاط عالم قابل فهم استفاده باشد، بتواند به فهم هر چه بهتر احکام شرعی برای همه افراد کمک نماید، اما فقیه تنها وظیفه استنباط و بیان احکام شرعی از منابع آن و احیاناً تطبیق احکام با شرایط موجود در زمان و مکان خود را داشته و چنین دغدغه‌ای نداشته است که این احکام برای همه افراد در همه سرزمین‌ها قابل استفاده مستقیم باشد، لذا نهایت امر این بوده است که افراد صاحب علم در مناطق مختلف توانسته‌اند آنچه را که لازم است برای فهم سایر افراد تغییر کند، خودشان تغییر دهند.

دومین نکته این است که با این حال فقها معمولاً مقید بوده‌اند در فتاوی خود، در مواردی که معصوم از واحدهای اندازه‌گیری خاصی استفاده کرده است آن را در متن احکام استنباطی ذکر کنند، که این مسأله خود می‌تواند باعث به وجود آمدن و استمرار واحدهای اندازه‌گیری در فقه شود که همه علما آن را می‌شناسند و می‌توانند آن را به واحدهای محلی تبدیل کنند. با این حال به نظر می‌رسد که این مسأله فارغ از این ذهنیت بوده است که نظام واحدی برای اندازه‌ها و مقادیر به وجود آمده و مورد استفاده باشد (کاظمی نجف آبادی، ۱۳۹۰).

از مجموع بررسی‌های فوق می‌توان به این نتیجه رسید که اولاً مسأله مقادیر و اوزان و یکاها، به لحاظ تأثیری که خلقت و انجام کارها دارد، مورد توجه و اهتمام در اسلام و فقه بوده است. دوماً علیرغم حساسیت نسبت به این مسأله، نظام منسجم و مشخصی جهت تعیین یکاها و مقیاس‌های یکسان در فقه وجود ندارد.

نظام تشریح مانند هر نظام حقوقی دیگری، موضوعات خود را از عرف می‌گیرد و در بیان اندازه‌ها و مقادیر، از واحدها و یکاهایی استفاده می‌کند که مخاطبان آن‌ها را شناخته و مورد استفاده قرار می‌دهند. بدین لحاظ، با توجه به اینکه شارع احکام مربوط به روابط میان اشخاص اجتماع را بیان می‌کند، از معیارهای شناخته شده آن اجتماع استفاده نموده و نمی‌توان تعیین واحدهای اندازه‌گیری یا یکاهای خاص جهت سنجش را از اهداف و کارکردهای اصلی فقه تلقی نمود. به نظر می‌رسد که تعریف چنین هدفی برای احکام اسلامی، خالی از اشکال نیست (کاظمی نجف آبادی، ۱۳۹۰).

در موارد زیادی در کتاب‌های فقهی به موضوعاتی برمی‌خوریم که نیاز به سنجش با پول دارند. در کتاب‌های فقهی، واحد پولی مورد استفاده، درهم و دینار است که در موارد متخلف مورد استفاده قرار گرفته است. دینار واحد شمارش سکه‌های طلایی و درهم واحد شمارش سکه‌های نقره‌ای بوده است (علامه حلی بی‌تا: ۱۲۱) به نظر می‌رسد، دینار و درهم دو واحد شمارش مالی در صدر اسلام بوده‌اند که احکام نیز بر مبنای آن‌ها ذکر شده است.

از مواردی که به طور عمده از این واحدهای شمارش صحبت شده است، می‌توان به مبحث زکات، مبحث بیع و مبحث دیات اشاره کرد. زکات عبارت است از اینکه میزان دارای فرد در یکی از موارد نه گانه به حد مشخصی برسد که در این صورت، میزانی از آن را باید به عنوان زکات به امام یا حاکم اسلامی بپردازد. یکی از این موارد نه گانه، طلا و نقره است. برای طلا و نقره حدی مشخص شده است که در صورت رسیدن میزان دارایی فرد، با وجود شرایط دیگر، به آن حد باید زکات آن پرداخت شود. در کتاب‌های فقهی، این حد با معیار دینار و درهم مشخص شده است (علامه حلی بی‌تا: ۶۹ و شهید اول ۱۴۱۱ق: ۴۲ و شهید ثانی ۱۴۱۳ق ج ۱: ۳۸۳ و محقق کرکی ۱۴۰۸ق ج ۱: ۳). لذا شارحان ذیل این قسمت به توضیح میزان دینار و درهم بر اساس معیارهای شناخته شده می‌پردازند (علامه حلی بی‌تا: ۶۹). همچنین در مبحث مربوط به دیات نیز از دینار و درهم برای تعیین میزان دیه استفاده شده است (علامه حلی بی‌تا: ۲۶۳ و شهید اول ۱۴۱۱ق: ۵۱ و شهید ثانی ۱۴۱۳ق ج ۱: ۳۱۵). در این مورد، این واحد مالی آنقدر از اهمیت برخوردار بوده که حتی در قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران که صبغه فقهی دارد نیز به همان شکل وارد گردیده است. در مبحث مربوط به بیع نیز به طور پراکنده به این واحدها اشاره شده است. همچنین واحدهای شمارش درهم و دینار، نه تنها برای شمارش، بکه گاهی برای تعیین میزان و کمیت هم استفاده شده است (علامه حلی بی‌تا: ۱۰۷). همچنین گاهی از این واحدهای شمارش برای مشخص نمودن مساحت نیز استفاده گردیده که نشان از میزان شناخت آن‌ها توسط مخاطب دارد که ترجیح داده شده از آن‌ها به عنوان معیار اندازه‌گیری مساحت استفاده شود (علامه حلی بی‌تا: ۳۴) این مطلب بیش از هر چیز رواج این نوع از سکه‌ها را می‌رساند.

در خصوص تعیین میزان طولی اشیا نیز در احکام از معیارهای مختلفی استفاده شده است که به نظر می‌رسد ریشه‌ی آن‌ها به احادیث و دلایل منجر به صدور حکم می‌رسد. برای مثال در بحث مربوط به آب کر، برای تعیین میزان آب مورد نظر، به اندازه‌های ظرفی که آب در آن قرار می‌گیرد، اشاره شده است. اما در این قسمت، واحد خاصی مورد اشاره قرار نگرفته و از معیار اندازه دست (وجب) استفاده شده است، به طوری که اندازه‌های ظرف آب با «شبر» یا «وجب» سنجیده شده است (علامه حلی بی‌تا: ۱۶). اما برای مسافت‌های طولانی، از واحدهای متداول در آن زمان

استفاده شده است. مانند واحد فرسخ، در بحث نماز شکسته یا حد افطار روزه (علامه حلی بی تا: ۵۱) یا ذرع برای فاصله‌های کوتاه (علامه حلی بی تا: ۱۴۵).

۴-۲-۵ استانداردسازی ناظر به طبیعت و محیط

حفظ جان در فرهنگ اسلامی اهمیت ویژه‌ای دارد. نعمت حیات، یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌هایی است که خداوند در اختیار انسان قرار داده است و حفظ این امانت از تکالیفی است که بر عهده او گذاشته شده است. هم حفظ جان از تلف شدن و هم حفظ جان و تن از آسیب دیدن. خداوند متعال می‌فرماید: خود را به دست خود به هلاکت نیندازید. (بقره، ۱۹۵) خودکشی و ضرر به نفس، حرام قطعی است که از این آیه استفاده می‌شود معنای آن به طور مطلق، نهی از هر گونه کوتاهی یا زیاده‌روی است که باعث هلاکت انسان گردد (طباطبایی ۱۳۷۴ ج ۲: ۶۴). چراکه بر انسان خردمند و باایمان زبنده نیست دست به کارهایی بزند که برایش خطرهای بسیاری به همراه داشته باشد (طبرسی ۱۳۶۰: ۲۳۸). این آیه مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد که موارد زیاد دیگری را نیز شامل می‌شود، از جمله اینکه انسان حق ندارد از جاده‌های خطرناک (چه از نظر نامنی و چه عوامل جوی یا غیر آن)، بدون پیش‌بینی‌های لازم بگذرد، یا غذایی که به احتمال قوی آلوده به سم است، تناول کند، و یا حتی در میدان جهاد، بدون نقشه و برنامه وارد عمل شود. در تمام این موارد، انسان بی‌جهت جان خود را به خطر انداخته و مسئول است (مکارم شیرازی ۱۳۷۴: ۳۵). حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: از حقوقی که بر گردن توست آن است که جانت را حفظ نمایی. از سوی دیگر، حفظ جان دیگران نیز از آسیب و تلف، مهم و موجب خوشنودی پروردگار است. همانطور که توصیه‌های فراوانی نسبت به حفظ سلامت و امنیت فردی ابراز شده است، موارد زیاد دیگری نیز وجود دارد که در آن نسبت به امنیت و سلامت دیگران توصیه شده است. اما نکته حائز اهمیت آن است که در این موارد، بیشتر دستورات توصیه‌ای و تشویقی است. در تفسیر آیه شریفه ۳۲ سوره مبارکه مائده آمده است کسی که انسانی را از خطر غرق شدن در آب یا سوختن در آتش، یا افتادن در زیر آوار یا هر خطر مرگباری نجات دهد و یا او را از سرگشتگی و گمراهی به راه درست راه نماید، پاداش کارش بسان این است که همه

انسان‌ها را زندگی بخشیده است و خدا پاداش احیاگر انسانیت را به او ارزانی می‌دارد (طبرسی ۱۳۶۰). پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله می‌فرماید: «کسی که دسته‌ای از مسلمانان را از خطر سیل یا آتش‌سوزی نجات دهد، بهشت بر او واجب می‌شود» (کلینی ۱۳۸۸ق: ۵۵). در حدیث دیگری، پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله می‌فرماید: «بنده‌ای به سبب برداشتن شاخه خاری از سر راه مسلمانان به بهشت رفت» (صدوق ۱۴۰۳ق: ج ۱، ص ۳۲).

با نگاهی به آسیب‌ها و صدماتی که بشر در قرن حاضر بر پیکره محیط‌زیست وارد کرده است و بصورت خودخواسته، انواع خسارات مالی، جانی و طبیعی از قبیل خشکسالی‌ها، بیابان‌زایی‌ها، کاهش شدید ذخایر آبی، گونه‌های گیاهی و حیات وحش را متحمل شده‌است، می‌توان به ضرورت و اهمیت بازتبیین باورهای دینی در نحوه مواجهه با محیط‌زیست پی برد و راه‌حل برون رفت از این مشکلات را در آموزه‌های دینی جستجو کرد. یکی از کامل‌ترین مجموعه تعالیم الهی درباره نحوه تعامل با محیط‌زیست را در اسلام می‌توان مشاهده کرد. آنجا که قرآن صامت ضمن تأکید بر جایگاه ویژه انسان در نظام خلقت و مقام خلیفه‌اللهی، بالاترین حقوق را برای انسان در نظر می‌گیرد و در عین حال، قرآن ناطق، حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام، خود را از گرفتن دانه جویی از دهان مورچه منع می‌کند. (رفیعا، ۱۳۹۴) رعایت حال حیوانات نه تنها در سیره ائمه علیهم السلام هویداست، بلکه در احکام فقهی نیز ملاک بسیار مهمی در انجام برخی اعمال است، تا جائیکه طبق برخی متون فقهی، وضو گرفتن اگر موجب تشنه ماندن حیوانی شود حرام بوده و باید تیمم را جایگزین آن کرد. (احمدی‌خواه، ۱۳۸۹) لذا در دین اسلام، به عالم طبیعت، نه بعنوان وجودی مستقل، بلکه بعنوان تجلی و ظهوری الهی نگریسته می‌شود که در آن تمام مخلوقات نمایی از اسمای الهی بوده و به همین دلیل، لازم الاحترام هستند و انسان موظف است با طبیعت همچون عطیه الهی برخورد کرده و در حفظ و آبادانی آن بکوشد و همواره عالم هستی را عزیز بداند. (رفیعا، ۱۳۹۴)

همچنین مطابق تعالیم اسلام، انسان در قبال بدن خود، هم موظف به حفظ و نگهداری و هم موظف به رعایت حقوقی است. از جمله آثار مستندی که به تمامه به حقوق اعضا و جوارح انسان می‌پردازد، رساله حقوق امام سجاد علیه‌السلام است که در حجمی اندک، دربردارنده بزرگترین

مضامین حقوقی است: «خدا بر تو حقوقی دارد که سراپای وجودت را فراگرفته، هر حرکت و سکون، هر فرود و فراز، تکان دادن اعضا و بکار گرفتن ابزارها، حقوقی بر گردن توست که بعضی بزرگتر و برخی کوچکتر است. از همه بزرگتر حق خود خداست که رعایتش را لازم کرده، سپس حق اعضا و جوارح از سر تا قدم، چشم، گوش، زبان، دست و پا و شکم همگی بر تو حق دارند» (شیروانی، ۱۳۸۵).

آخرین موضوعی که می‌توان گفت امروزه به عنوان یکی از اصول تشکیل‌دهنده استاندارد متعارف شناخته می‌شود، توجه استاندارد به محیط‌زیست است. نحوه کار یا تولید یا کالا خدمات ارائه‌شده باید به گونه‌ای باشد که محیط‌زیست را تخریب نسازد و منجر به آلودگی زیستی و تخریب منابع طبیعی نگردد. احکام و دستوراتی که با توجه به این مسأله بیان شده و در نهایت به حفظ محیط‌زیست و حفاظت از طبیعت کمک می‌کند، مانند قسمت‌های قبل، به صورت پراکنده در قالب‌های مختلف بیان شده است.

پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله در نهی از نابودی درختان خرما و کشتن حیوانات می‌فرمایند: «درختان خرما را آتش نزنید و آب بر آن روان نکنید که غرق شود، درخت میوه‌ای را قطع نکنید و کشتزاری را آتش نزنید؛ چون، شما چه خبر دارید شاید در آینده بدان محتاج شوید. چارپایان (حلال گوشت) را مکشید مگر آن مقدار که برای استفاده از گوشتش نیاز دارید» (کلینی ۱۳۸۸ق: ج ۵، ص ۲۹). پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله می‌فرمایند: «هر کس درختی بکارد و در نگهداری آن بکوشد تا میوه دهد، در برابر هرچه از آن میوه به دست آید، پاداشی نزد خدا خواهد داشت». امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «درختان میوه را قطع نکنید که خداوند بر شما عذاب فرو می‌ریزد» (کلینی ۱۳۸۸ق: ج ۵، ص ۲۶۴).

دستورات دینی در راستای حفظ محیط‌زیست، از جمله پاکیزه نگه داشتن آب و زمین، عدم قطع درختان، مراقبت از حیوانات و مانند آن بسیار زیاد است به گونه‌ای که می‌توان قواعدی کلی در این خصوص را از آن استخراج نمود. برای مثال در احکام فقهی، در خصوص اجابت مزاج، از اینکه

این عمل تحت درختان میوه دار انجام بگیرد، نهی شده است (علامه حلی بی‌تا: ۱۹). یکی از دلایل این نهی می‌تواند حفظ درخت میوه‌دار به لحاظ اهمیت آن در تولید مواد غذایی باشد. در عبارت دیگری، از ادرار کردن در آب نهی شده است (علامه حلی بی‌تا: ۱۹). دلیل این حکم نیز می‌تواند حفظ آب از آلودگی و همچنین حفظ زندگی موجوداتی باشد که احیاناً در آب زندگی می‌کنند و در مراحل مختلف چرخه زیستی نقش دارند. توجه به حفظ منابع طبیعی و محیط زندگی به حدی است که حتی در جنگ نیز استفاده از سم جهت آلوده ساختن محیط زندگی دشمن ممنوع شده است (علامه حلی بی‌تا: ۱۱۱) همینطور در مورد حیوانات نیز احکامی هرچند پراکنده دیده می‌شود. برای مثال، دادن نفقه حیوان واجب است و مالک آن باید وسایل و موادی را که لازمه زندگی حیوان است فراهم آورد. حق حیات حیوانات دارای ارزش است، سفر برای شکار بدون دلیل آن‌ها سفر حرام است و تا زمانی که ممکن است باید جان آن‌ها را حفظ کرد. از ادرار در لانه‌های حشرات و حیوانات کوچک نهی شده است (علامه حلی بی‌تا: ۱۹). همچنین برای ایراد صدمه به حیوانات و مجروح و تلف ساختن آن‌ها ارش و خسارت تعیین گردیده است (علامه حلی بی‌تا: ۲۷۳).

هر چند بررسی دقیق این مسأله نیاز به تحقیق و پژوهش‌های مفصل و مستقل دارد، اما برای موضوع ما همین مقدار آشنایی کافی است که نشان‌دهنده اهمیت و توجه به مسأله محیط‌زیست در منابع فقهی می‌باشد. مسلماً قواعد مربوط به حفظ محیط‌زیست و طبیعت، به شکلی که امروزه مطرح است، در گذشته نمی‌توانسته وجود داشته باشد. تولید صنعتی کالاها، که مستلزم استفاده گسترده و وسیع از منابع تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر طبیعی است، دست‌آورد تمدن جدید و دنیای صنعتی است و آنچه که امروزه ذیل قواعد استاندارد وجود دارد، نمی‌تواند از احکام و مقررات مربوط به روابط سنتی و ساده گذشته استخراج گردد. با این حال، مصادیقی که در فقه در این رابطه وجود دارد، نشان‌دهنده پذیرش این اصل کلی است که در رویکرد فقهی به مصادیق دنیای جدید، می‌توان احکام جدیدی در راستای حفظ و حمایت از محیط‌زیست به دست آورد.

در انتها با توجه به اینکه هدف استاندارد، تأمین حداکثر منافع مصرف کننده، تولیدکننده و جامعه از طریق تنظیم و هماهنگ کردن عملیات تولید است (فرجی، ۱۳۸۹)، می‌توان اذعان داشت دین اسلام نیز به صورتی گسترده به این مسئله پاسخگو بوده و از این منظر، استاندارد در ابعاد اسلامی نیز تعریف می‌گردد.

۵-۲-۵ رتبه‌بندی استانداردها

مفهوم طیب که بر اساس مبانی هستی شناسانه اسلام بدست آمده است و الزامات آن در قالب استانداردهای فرایندی و سیستمی بر روی محصولات، خدمات و سازمان‌های متقاضی اعمال می‌گردد، فاصله معناداری با سایر نشان‌های کیفیت از جمله نشان حلال دارد. این مفهوم مظهر کامل سبک زندگی اسلامی و یکی از شاخص‌ترین مولفه‌های مورد نیاز برای استقرار تمدن نوین اسلامی است. علاوه بر این موارد، استانداردهای طیب، نحوه اثرگذاری نگرش توحیدی در جهت‌دادن به علم و فناوری را نیز به نمایش می‌گذارند؛ این اثرگذاری می‌تواند جریان علم و فناوری را به سمت حیات طیب سوق دهد. چه بسا اهمیت این موضوع در زمینه غذا و تغذیه دوچندان باشد، چرا که واژه طیب در معنای اصلی خود در قرآن کریم، در حول همین بحث صادر شده است. (ناجی طبسی، ۱۳۹۷) در آموزه‌های دینی به ابعاد و مسائل امر تغذیه بصورت دقیق پرداخته شده‌است. از منظر اسلام استانداردهای کیفی مواد غذایی بر اساس مفهوم حلال و طیب بیان شده‌است. حلال به عنوان یک استاندارد، نقش بسیار مهمی در تعیین کیفیت غذاهایی که به وسیله مسلمانان مصرف می‌شوند ایفا می‌نماید. بیشتر مواد خوراکی و رژیم‌های غذایی، حلال هستند مگر آن‌هایی که خداوند بطور مشخص در قرآن و احادیث حرام نموده و انسان نیز نمی‌تواند حرام الهی را به حلال تبدیل نماید. (عالی پور و مهدوی، ۱۳۹۳) اما اگر طیب بعنوان یک استاندارد دینی در نظر گرفته شود، درجه متفاوت‌تری از سلامت غذا قابل تصور است زیرا یک ماده غذایی زمانی طیب است که از جمیع جهات مادی و معنوی، پاک، خالص و عاری از هرگونه آلودگی باشد و از این جهت، استاندارد طیب استناداری متعالی‌تر از حلال خواهد بود. تأکید خداوند متعال در آیه ۱۶۸ سوره بقره بر تغذیه حلال و پاک نیز در همین راستاست. براساس مطالعات

انجام گرفته در زمینه مفهوم طیب، این رتبه از استاندارد محدود به تغذیه نبوده و قابلیت تطبیق بر فرایندها، سازمان و سایر محصولات را نیز خواهد داشت. همچنین رعایت موارد متناظر با شاخص‌های مفهوم طیب یعنی حلیت، اصالت، سلامت، جذابیت و برکت، علاوه بر تأمین نیاز جامعه در سلامت و کیفیت محصولات، در اجرای اصول اخلاقی و حقوق محیط‌زیست نیز نقش مهمی ایفا می‌کند (نوروزی، معزی، ۱۴۰۱).

۶ نتیجه‌گیری و پیشنهادات

یکی از چالش‌های رایج در عرصه مطالعات بین رشته‌ای اسلامی، توقف در سطح مبانی و نپرداختن به مسائل عینی و کاربری است. البته شکی نیست که عدم توجه به تفاوت‌های مبانی و فکری در انجام این پژوهش‌ها می‌تواند منشأ انحراف‌ها و برداشت‌های التقاطی باشد. اما از سوی دیگر انتظار به حق جامعه علمی بویژه بعد از گذشت بیش از چهار دهه از انقلاب شکوهمند اسلامی، ارائه و تولید نظریه‌های کارآمد و ناظر به عمل، براساس مبانی اندیشه اسلامی است. بر همین اساس هدف و تلاش اصلی در این پژوهش، نگاه نقادانه به رویکرد موجود در باب استاندارد و ارائه الگویی اولیه در زمینه مطالعه مسائل علمی و ظرفیت‌های عینی و بالقوه موجود در حوزه استاندارد از منظر اسلامی بوده است.

آن چیزی که امروزه تحت عنوان قوانین استاندارد شناخته می‌شود، بر اساس مبنایی شکل گرفته که ملاک تجدد در آن، ارزش‌های تعداد محدودی از کشورهای توسعه‌یافته است که بخاطر ابتناء بر نظم نوین جهانی روز به روز در حال تغییر و هدایت سایر کشورها در جهت خواسته خویش است. این در حالیست که در ذی‌شمول بودن این قواعد برای تمامی جوامع با آیین و رسوم خاص خود و سایر تفاوت‌های اقلیم‌جغرافیایی و فرهنگی، تردید جدی وجود دارد. نقش و جایگاه استاندارد در پیدایش، رشد و توسعه تحولات صنعتی و اقتصادی و همچنین تبدیل آن‌ها به فرصتهایی برای زندگی با کیفیت و استاندارد، باید بگونه‌ای باشد که ارزش‌هایمان کم‌رنگ نشود و خودآگاهی جمعی، اخلاق و مسئولیت اجتماعی بهبود یابد. امروزه در بیرون از جهان غرب که اساس و مبانی استانداردهای جهانی از آنجا شکل گرفت، مناطقی که نقش اندکی در

بنیان‌گذاری و جهت‌دهی این قواعد ایفا کردند، درستی برخی از این قواعد را زیر سؤال برده‌اند. همین‌طور با نگاهی به وضع کنونی کشورهای تابع و مشاهده اثرات پیاده‌سازی این قواعد و استانداردها که نشانگر پیامدهای ناخواسته و ناگوار روحی، جانی و زیست‌محیطی بوده است، لزوم حرکت به سمت قواعدی همه‌جانبه‌تر که همخوانی بیشتری با جهان هستی و نوع بشر دارند را بیش از پیش می‌رساند. مطابق عقیده شیعه، دین علاوه بر تامین سعادت اخروی، باید پاسخگوی نیازهای اصیل دنیوی انسان نیز بوده و نیاز بشر به عدالت اجتماعی و تکامل فردی را نیز از جمله نیازهای انسان به دین محسوب می‌شود. لذا اگر تمام روابط مطرح و مورد نیاز بشر را در چهار محور رابطه با خدا، رابطه با خود، رابطه با دیگران، و رابطه با طبیعت خلاصه کنیم، انسان در هر چهار محور نیازمند دین بوده و دین اسلام که بر مبنای اصل خاتمیت نبوت باید دربردارنده برنامه جامع سعادت باشد، باید برای انسان در تمام این ابعاد تعیین تکلیف نماید.

با تدقیقی که نسبت به احصای مصادیقی از مفهوم استاندارد در اسلام در پژوهش حاضر انجام شد، در مجموع می‌توان گفت که بررسی استاندارد از منظر اسلام و با مدخل‌های مختلف، بیانگر حوزه گسترده و قابل استمرار مطالعه استاندارد در چارچوب نظام معرفتی و آموزه‌های اسلامی است. با عنایت به دو مرحله اساسی که در زمینه مراحل استانداردسازی ذکر می‌شود یعنی تعیین استاندارد و استقرار و اجرای آن؛ آنچه در این مقاله گذشت، معرفی ظرفیت‌های اسلامی موجود در رکن اول یعنی تدوین و تهیه استانداردها بود که شامل احصای محورهای اصلی استاندارد و برشمردن مصادیق اسلامی آن در مقام تعیین چارچوب و معیارها می‌باشد. لذا مطابق دسته‌بندی موجود از استاندارد متعارف که شامل استاندارد محصول، فرایند انجام کار، مقیاس و محیط می‌باشد، تلاش شد تا مفاهیم دینی مرتبط با هر یک از طبقات در آیات و روایات به‌عنوان شاهد مثال ذکر شود و ظرفیت ناشناخته موجود در ادبیات دینی ناظر به موضوع استاندارد معرفی شود. بر همین اساس مفاهیمی همچون اتقان عمل، نهی از کم‌فروشی و کم‌کاری، سفارش به رعایت اوزان و محکم‌کاری به‌عنوان مصادیق شاخه استانداردسازی محصول، تأکید بر حسن فاعلی و نیت درست (روح عمل)، طواف کعبه (لباس و شعار وحدت‌آفرین)، صفوف نماز، نهی از اسراف و تبذیر

و اتراف ناظر به استانداردسازی فرایندها، تدقیق مقادیر و مقیاس‌های اندازه‌گیری مانند درهم و دینار، شبر یا وجب، فرسخ و یا وسق، ذرع، ساع یا مد، تأکید بر دقیق‌بودن مشخصات کمی و کیفی کالا در معاملات به‌عنوان شاهد مثال‌های استانداردسازی سنجه‌ها و در نهایت مباحثی مانند تأکید بر ایمنی کار و حفظ جان خود و سایرین، رعایت حق النفس، تشویق به نجات مردم، سفارش به حفظ جان حیوانات، نهی از قطع بی‌دلیل درختان نیز به‌عنوان نظائر دینی استانداردسازی محیط و طبیعت و همچنین تفاوت‌های میان مفاهیمی مثل حلال و طیب، اسلام و ایمان، اکمال دین و اتمام دین، نماز صحیح و مقبول تحت عنوان مصادیق دینی رتبه‌بندی استانداردها قرار گرفتند. همچنین برای نمونه به ذکر تعدادی از آیات و روایات موید برای این شاهد مثال‌ها اکتفا شد. شاکله مفهومی این پژوهش و بازتابینی که انجام شده و نظریات مطرح شده، می‌تواند در درجه اول توجه کارشناسان و مدیران متعهد استاندارد کشور را به ارزش محوری این حوزه جلب نماید و در درجه دوم زمینه‌ای برای بازطراحی شاخص‌های استانداردسازی با توجه به الگوهای دینی نه تنها در ایران، بلکه برای کشورهای اسلامی و یا حتی سازمان‌های بین‌المللی باشد. از طرفی ادعا می‌شود استانداردهایی که مبتنی بر مبانی فکری و معرفت شناختی‌اند قابلیت تعمیم و بکارگیری از مکتبی به مکتبی دیگر یا از کشوری به کشور دیگر را دارند. چرا که براساس پیش‌فرض‌های اسلامی، دین اسلام و جهان‌شناسی و ایدئولوژی ناشی از آن منطبق‌ترین الگو بر فطرت آدم ابوالبشر بوده، رویکرد استاندارد مستنبطه از اسلام می‌تواند مورد پذیرش و اقبال سایر کشورها و ملت‌ها قرار گیرد. لذا پیشنهاد می‌شود که علاوه بر مطالعات تطبیقی و استنباطی از این دست و احصای ظرفیت‌های بیشتر دین در این زمینه، تلاش شود در مقام سیاست‌گذاری و تدوین استانداردهای ملی، گام‌هایی در جهت اسلامی‌سازی شاخص‌ها صورت پذیرد و با ارزیابی نتایج و رفت و برگشت میان مقام نظر و عمل، به الگویی رسید که قابلیت ارائه به سازمان‌های بین‌المللی را دارا بوده و در مسیر تمدن‌سازی بتواند کمک شایانی به پیاده‌سازی جامع تعالیم اسلام در سطوح مختلف جامعه داشته‌باشد.

جدول (۳): انواع دلالت‌ها به همراه آیات و روایات متناظر

حوزه/آموزه دینی	دلالت دینی مربوطه	آیات و روایات متناظر
استانداردسازی محصول	اتقان عمل، نهی از کم‌فروشی و کم‌کاری، سفارش به رعایت اوزان، محکم‌کاری	اعراف/۸۵؛ انعام/۱۵۲؛ شعراء/۱۸۳؛ الرحمن/۹-۷؛ مطفین/۱؛ اسراء/۳۵؛ هود/۸۵-۸۴؛ کهف/۹۷؛ سبأ/۱۱ «وَلَكِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ عَبْدًا إِذَا عَمَلَ عَمَلًا أَحْكَمَهُ» (حرعاملی ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۳۰) «إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا فَلْيَتَّقِن» (همان، ص ۲۲۹)
استانداردسازی فرایند	تأکید بر حسن فاعلی و نیت درست (روح عمل)، طواف کعبه (لباس و شعار وحدت‌آفرین)، صفوف نماز، نهی از اسراف و تبذیر و اتراف	طه/۱۴؛ بینه/۵؛ زمر/۱۱؛ غافر/۱۴؛ اسراء/۲۶؛ اعراف/۳۱؛ سبأ/۳۴ «نَبِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَ نَبِيَّةُ الْكَافِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ وَ كُلُّ عَامِلٍ يَعْمَلُ عَلَى نِيَّتِهِ» (کلینی ۱۳۸۸ق، ج ۲، ص ۸۴) «فَاعِلُ الْخَيْرِ خَيْرٌ مِنْهُ، وَ فَاعِلُ الشَّرِّ شَرٌّ مِنْهُ» (نهج‌البلاغه، ح ۳۲) «سَوُّوا صُفُوفَكُمْ فَإِنَّ تَسْوِيَةَ الصَّفِّ تَمَامُ الصَّلَاةِ» (مجلسی، بی-تا، ج ۸۵، ص ۱۹)
استانداردسازی ابزار، سنجه‌ها و مقیاس‌ها	تدقیق مقادیر و مقیاس‌های اندازه‌گیری مانند درهم و دینار، شبر یا وجب، فرسخ و یا وسق، ذرع، ساع یا مد، تأکید بر دقیق بودن مشخصات کمی و کیفی کالا در معاملات	آل عمران/۷۵؛ یوسف/۲۰؛ یوسف/۶۵؛ اسراء/۳۵؛ نجم/۹۰ «فَكَتَبَ إِلَى الصَّاعِ سِتَّةَ أَرْطَالٍ بِالْمَدِينِ وَ تِسْعَةَ أَرْطَالٍ بِالْعِرَاقِ» قَالَ وَ أَخْبَرَنِي أَنَّهُ يَكُونُ بِالْوُزْنِ أَلْفًا وَ مِائَةٌ وَ سَبْعِينَ وَزْنَةً» (کلینی ۱۳۸۸ق، ج ۴، ص ۱۷۲) «قُلْتُ وَكَمْ الْكُرَّ قَالَ ثَلَاثَةٌ أَشْبَارٍ وَنِصْفٌ عَمَقُهَا فِي ثَلَاثَةِ أَشْبَارٍ وَ نِصْفٌ عَرْضُهَا» (حرعاملی ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۶۵)
استانداردسازی ناظر به محیط و طبیعت	تأکید بر ایمنی کار و حفظ جان خود و سایرین، رعایت حق النفس، تشویق به نجات مردم، سفارش به حفظ جان حیوانات، نهی از قطع بی‌دلیل درختان	بقره/۱۹۵؛ اعراف/۵۸؛ هود/۵۷؛ رعد/۲۵؛ حج/۴۱؛ آل عمران/۱۸۹؛ بقره/۱۱۶؛ آل عمران/۱۰۸؛ اعراف/۳۱؛ انفال/۱؛ طه/۸۱ «لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ» (حرعاملی ۱۴۰۹ق، ج ۲۶، ص ۱۴) «وَ لَا تَحْرِقُوا النَّخْلَ وَ لَا تَغْرِقُوهُ بِالْمَاءِ وَ لَا تَقْطَعُوا شَجَرَةً مُثْمِرَةً وَ لَا تَحْرِقُوا زُرْعًا» (کلینی ۱۳۸۸ق، ج ۵، ص ۲۹) «وَ لَا تَعْقِرُوا مِنَ الْبِهَائِمِ مِمَّا يُؤْكَلُ لَحْمُهُ إِلَّا مَا لَا بَدَ لَكُمْ مِنْ أَكْلِهِ» (همان)
		بقره/۵۷؛ بقره/۱۶۸؛ حجرات/۱۴؛ مائده/۵

<p>«الْإِيمَانُ أَرْفَعُ مِنَ الْإِسْلَامِ بِدَرَجَةٍ إِنَّ الْإِيمَانَ يَشَارِكُ الْإِسْلَامَ فِي الظَّاهِرِ وَالْإِسْلَامَ لَا يَشَارِكُ الْإِيمَانَ فِي الْبَاطِنِ وَإِنْ اجْتَمَعَا فِي الْقَوْلِ وَالصَّفَةِ» (کلینی ۱۳۸۸ق: ج ۲، ص ۲۵)</p> <p>«إِنَّ مِنَ الصَّلَاةِ يُقْبَلُ مِنْهَا نِصْفُهَا وَ ثُلُثُهَا وَ رُبْعُهَا وَ إِنْ مِنْهَا لَمَّا يُلْفُ كَمَا يُلْفُ الثَّوْبُ الْخَلْقُ فَيُضْرَبُ بِهَا وَجْهُ صَاحِبِهَا» (مجلسی، بی تا، ج ۷۹، ص ۳۰۵)</p>	<p>حلال و طیب، اسلام و ایمان، اکمال دین و اتمام دین، نماز صحیح و مقبول</p>	<p>رتبه‌بندی استانداردها</p>
---	--	------------------------------

۷ تقدیر و تشکر

در پایان از تمامی افرادی که ما را در انجام پژوهش حاضر کمک و مساعدت کردند، تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

۸ مراجع

۱. قرآن کریم.
۲. احمدی‌خواه، علی (۱۳۸۹) حقوق حیوانات در سیره و سخن رسول رحمت؛ نشریه معرفت، شماره ۱۸۲، ۱۳۸۹، ص ۱۰۰.
۳. اژدری زاده، حسین (۱۳۸۸) مبانی هستی‌شناسانه جامعه‌شناسی اسلامی؛ دوفصلنامه علمی تخصصی اسلام و علوم اجتماعی. سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص ۵۵-۸۴
۴. استیونسون، ویلیام دی (۱۳۹۴) مدیریت عملیات جلد ۱، (محمد علی خاتمی فیروزآبادی، مترجم). تهران: نص.
۵. بحیرایی، مجتبی (۱۳۹۳) استانداردسازی سازمان، فرآیند و محصول؛ فصل نامه علمی-ترویجی مدیریت استاندارد و کیفیت سال اول، ۱۳۹۳، شماره ۱۱، صص ۱۳-۲۳.
۶. جاویدی، مجتبی (۱۳۹۹)، نگاهی روش‌شناسانه به نظریه قرارداد اجتماعی توماس هابز. مطالعات حقوق عمومی دوره ۵۰ تابستان ۱۳۹۹ شماره ۲، صص ۶۹۹-۶۹۸.
۷. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۵)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۸. جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۱)، درآمدی بر مبانی اندیشه‌ی اسلامی، قم: مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام (رحمه‌الله)، ص ۱۵۰.
۹. حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران: انتشارات موسسه ایمان جهادی.

۱۰. حق پناه، رضا (۱۳۷۷) جایگاه قانون و قانون گرایی در قرآن؛ فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی (اندیشه حوزه‌ی سابق). سال چهارم، شماره ۱۴، پاییز ۱۳۷۷.
۱۱. حق پناه، رضا (۱۳۷۷) چیستی و ماهیت نظارت در متون دینی و فرهنگ اسلامی؛ دوماهنامه مهندسی فرهنگی سال ششم، شماره ۵۹ و ۶۰، آذر و دی ۱۳۹۰.
۱۲. حکیمی، محمد؛ حکیمی، محمدرضا؛ علی حکیمی، (۱۳۹۵)، ترجمه الحیاه (جلد ۵)، (احمد آرام، مترجم). تهران: دلیل ما.
۱۳. حکیمی، محمدرضا و اخوان (۱۳۸۰) الحیاه. مترجم احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۴. خاشعی، وحید؛ تمناجی، مصطفی (۱۳۹۵)، مفهوم پردازی و تبیین مولفه‌های استانداردسازی از منظر اسلام. فصل نامه علمی-ترویجی مدیریت استاندارد و کیفیت. سال پنجم، شماره ۲، صص ۸۳-۹۵.
۱۵. خان محمدی، هادی؛ اصلی‌پور، حسین؛ خان محمدی، مجید (۱۳۹۲)، استاندارد تکاملی؛ نگاهی به گستره مفهوم استاندارد در اسلام. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
۱۶. دانایی فرد، حسن. (۱۳۹۵). روش‌شناسی مطالعات دلالت پژوهی در علوم اجتماعی و انسانی: بنیان‌ها، تعاریف، اهمیت، رویکردها و مراحل اجرا، فصلنامه علمی - پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی س ۲۲، ش ۸۶، بهار ۱۳۹۵، صص ۷۱-۳۹.
۱۷. دانایی فرد، حسن (۱۳۸۷)، چالش‌های مدیریت دولتی در ایران. تهران: انتشارات سمت.
۱۸. رازینی، روح الله (۱۳۹۳). تاملاتی درباب استاندارد از منظر اسلام. (دانشگاه امام صادق (ع)).
۱۹. رفیعا، مریم؛ ساطع، نفیسه (۱۳۹۴)، تأثیر باور دینی در نحوه برخورد با محیط زیست، فصلنامه انسان و محیط زیست، شماره ۳۴، پاییز ۹۴.
۲۰. سیدی نیا، سیداکبر (۱۳۸۸)، مصرف و مصرف‌گرایی از منظر اسلام و جامعه‌شناسی اقتصادی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی . سال نهم. شماره ۳۴. تابستان.
۲۱. شیروانی، علی (۱۳۸۵). ترجمه رساله الحقوق امام سجاد علیه‌السلام، ناشر: دارالفکر-ل، چاپ: سوم ۱۳۸۶.
۲۲. صالحی امیری، سید مهدی (۱۳۸۳)، جامعیت دین. صباح، شماره ۱۷ و ۱۸.
۲۳. صالحی، اکبر (۱۳۹۳)؛ پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و دوم، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۹۳: صص ۳۷-۹.
۲۴. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۳)، ترجمه تفسیر المیزان. ترجمه حجت الاسلام سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: انتشارات جامعه مدرسین قم. ج ۴۰.

۲۵. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴) ترجمه تفسیر المیزان. موسوی همدانی، سید محمد باقر قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۶. عالی‌پور، فتح الله؛ مهدوی، فرنگیس (۱۳۹۳) حلال و طیب عالی ترین معیارهای بهداشتی مواد غذایی از دیدگاه قرآن، نشریه اسلام و سلامت، تابستان ۱۳۹۳، دوره ۱، شماره ۲، صص ۵۰-۴۱.
۲۷. عبدالحمید، مهدی؛ بابایی مجرد، حسین (۱۳۹۲)، مفهوم پردازي استاندارد، گذاري وحياني و عقلائي از قهر و قسر به تسخير در بستر سير تطور مفهوم و مطالعه تطبيقي. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (عليه‌السلام).
۲۸. علوی، سیدعلی (۱۳۹۲)، استانداردسازی گامی در جهت تحقق عدالت اجتماعی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (عليه‌السلام).
۲۹. علیزاده، عبدالرضا (۱۳۷۵)، حوزه و دانشگاه. روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۸.
۳۰. فدوی، ع (۱۳۷۵) «مدیر و استاندارد کردن؛ تنوع‌گرایی و ساده‌گرایی»، تدبیر. ۲۹-۳۱.
۳۱. فرجی، مرتضی (۱۳۸۹) سیستم‌های کاربردی خرید. تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (عليه‌السلام).
۳۲. فیض کاشانی، مولا محسن (۱۳۷۳). راه روشن: ترجمه المحجه البيضاء فی تهذيب الحياء، (محمد رضا عارف، مترجم). تهران: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۳۳. قرائتی، محسن (۱۳۸۳) تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۳۴. کاظمی نجف آبادی، عباس (۱۳۹۲)، فقه و استاندارد. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (عليه‌السلام).
۳۵. لطیفی، میثم؛ علم خواه، محمد (۱۳۹۲)، چارچوب روش‌شناختی بررسی استاندارد از منظر اسلامی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (عليه‌السلام).
۳۶. مطهری، مرتضی (۱۳۴۳) بیست گفتار. تهران: کتابخانه صدوق.
۳۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، انسان و ایمان. تهران: انتشارات صدرا.
۳۸. معین، محمد (۱۳۸۶)، فرهنگ معین. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳۹. مفید، (۱۳۶۴)، امالی، مترجم استاد ولی، مشهد: آستان قدس.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر و سایر نویسندگان (۱۳۷۴) تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۱. منتقمی، ف (۱۳۷۶)، استاندارد و صادرات. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۴۲. منظور، داوود؛ طاهری، مجتبی (۱۳۹۲) عقلانیت اقتصادی در بوتله نقد؛ فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیست و یکم، شماره ۶۸، زمستان ۱۳۹۲، صص ۱۷۴-۱۵۹.

۴۳. مهرنیا، حسن (۱۳۹۲) تبیین، بررسی و نقد اندیشه دینی کانت؛ دوفصلنامه علمی-تخصصی تحول در علوم انسانی، دوره ۱، شماره ۱، مهرماه ۱۳۹۲، صص ۱۳۱-۱۰۹.
۴۴. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۴۵. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸)، ولایت فقیه و جهاد اکبر، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۴۶. ناجی طبسی، سارا (۱۳۹۷) تبیین شاخص های غذای طیب به عنوان غذای برتر نسبت به غذای ارگانیک و فراسودمند، نشریه دین و سلامت، دوره ۶، شماره اول ۱۳۹۷، صص ۶۸-۶۲.
۴۷. نکوئی سامانی، مهدی (۱۳۸۶)، دین در دنیای مدرن، ماهنامه معرفت ۱۳۸۶ شماره ۱۲۳.
۴۸. نوروزی، محمد؛ معزی، سیدعلی (۱۴۰۱) بازطراحی نظام مرغداری نوین با رویکرد دستیابی به غذای طیب (براساس یک تجربه زیسته)، همایش بین‌المللی غذای طیب، مشهد، پائیز ۱۴۰۱.
۴۹. نوکنده، محمدحسین؛ شفیع تبار سفاکوش، نوروز (۱۳۹۰)؛ چیستی و ماهیت نظارت در متون دینی و فرهنگ اسلامی؛ دوماهنامه مهندسی فرهنگی سال ششم، شماره ۵۹ و ۶۰، آذر و دی ماه.
۵۰. واژه‌نامه نظام استانداردسازی و کیفیت (۱۳۸۸)، سازمان استاندارد و تحقیقات مدیریت صنعتی ایران.
۵۱. یزدان‌پناه، مهشید (۱۳۸۰)، آینده در گرو استاندارد، مجموعه مقالات نخستین کنفرانس توسعه و ترویج استاندارد، صص ۱۲۷-۱۱۹.
۵۲. یگانه، مهرداد (۱۳۷۹)، استاندارد و استاندارد کردن. تهران: مرکز آموزش و تحقیقات مدیریت صنعتی ایران.
- منابع عربی:**
۵۳. مجلسی، محمد باقر (۱۱۰ق)، بحار الانوار (جلد ۷۰)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵۴. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق) بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵۵. الکلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب، (۱۳۸۸) قمری، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه: تهران.
۵۶. کلینی، علی بن الحسین (۱۴۰۸ق) جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۵۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۰۰ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث.

۵۸. حلی (علامه)، جمال‌الدین الحسن بن یوسف المطهر (۱۳۶۸) تبصره المتعلمین فی احکام الدین محقق: سید احمد حسینی، شیخ هادی یوسفی، فقیه، تهران.
۵۹. طبرسی، ابی‌علی‌الفضل بن حسن (۱۳۶۰) مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات فراهانی.
۶۰. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸)، کتاب‌البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

61. Axelrod, R., Mitchell, W., Thomas, R. E., Bennett, D. S., & Bruderer, E. (1995). Coalition formation in standard-setting alliances. *Management science*, 41(9), 1493-1508.
62. David, P. A., & Greenstein, S. (1990). The economics of compatibility standards: An introduction to recent research. *Economics of innovation and new technology*, 1(1-2), 3-41.
63. Mary Jo Hatch with Ann L. Cunliffe. (2013) *Organization Theory Modern-Symbolic, and Postmodern Perspectives*, third edition.
64. Wang Ping (2011), *A Brief History of Standards and Standardization Organizations: A Chinese Perspective*, East- West Center: Economic Series. Research paper

Indications of Islamic teachings for the purpose of standardization

Alireza Afzali¹, Roohollah Razini², Sayyed Ali Moezi³, Ali Yaghoobalipour⁴

Abstract

Received: 2023/04/03

Accepted: 2023/05/14

Standard and standardization is one of the human approaches and tools that are used to improve the product, both goods and services and today, one of the most important elements in the development of business is the communication between individuals, groups, companies and societies, and laying the foundation for economic growth. Regardless of the type of extensive function that is considered in the standard, its checking it with Islamic principles and its conceptual and practical reconstruction is necessary for the Islamic society. The current research, which was conducted with a qualitative research method of the type of implication research, by examining a collection of narrations and relying on jurisprudential arguments, With the aim of comparing the conventional and religious view of the standard issue, has tried to estimate and confirm the potential and actual capacities of the development of the standard category based on Islamic teachings by identifying various examples and a wider range of aspects. count its social. The findings of the present research show that from the

Keywords: Standard, Standardization, implication research, Teachings of Islam

1 al.afzali@isu.ac.ir

2 razini58@yahoo.com

3 mzysydly@gmail.com

4 aliyaghubali@gmail.com